

# Unity and Approximation based on Imamate, Relying on Common principles of Shī'as and Sunnis

## Research Article

Emamat pajouhi  
Eleventh year, vol .1  
spring & summer 2021  
DOI:10.22034/  
jep.2021.294482.1325  
jep.emamat.ir



Morteza Alizade Najjar<sup>1</sup>/ Mohammad Taghi Sobhani<sup>2</sup>

## Abstract:

Without an iota of doubt, in the domain of unity of muslims and approximation of Muslim sects, exploring the deeds and words of prophet is the most efficient solution. From the deeds of prophet shared among all Islamic sects, it is clearly understood that the holy prophet issued several warnings about the successor- which is the most notorious point of division among Muslims. The holy prophet has shown that the path of unity and approximation is solely sought in reaching a consensus on the successor. According to this view, unity among muslims is only attained when they concur upon the principles of Imamate, and approximation is achieved only when all Islamic sects adopt a discourse relying on Imamate principle. This discourse method must open new chapters for discussions about the issue of Imamate. The first goal of adopting such a discourse has to be disclosing the truth behind the ideology of different Islamic sects and their principles. The second goal must be removing the misconceptions and misunderstanding. The most significant aim of such an approach is: to revisit the root cause of grievences, to shed light on historical and religious issues, to establish a clear margin between unity and approximation on the one hand and unity and social coexistence on the other.

**Keywords:** division, unity, approximation, Imamate.

---

1. PhD in rhetorical denomonations, University of Religions and Denomonations, Qom, Iran. Corresponding author. E-mail: alizadehnajar.m@gmail.com

2. Assistant professor, philosophy & rhetoric research department, Islamic culture and science research institute, Qom, Iran. E-mail: sobhani.mt@gmail.com

# الوحدة والتقريب من منطلق الإمامة استناداً إلى المباني المشتركة بين الفريقين

مرتضى عليزاده نجار<sup>١</sup> / محمد تقي سبحاني<sup>٢</sup>

مقالة محكمة

امامت پژوهشی  
السنة الحادية عشرة  
العدد الأول، ربيع و  
صيف سنة ٢٠٢١

jep.emamat.ir



## الخلاصة

لا شك في أن الرجوع إلى سيرة النبي الكريم ﷺ وأحاديثه يعدّ السبيل الأمثل لبلورة فكرة دينية فاعلة في مجال الوحدة والتقريب، حيث يستفاد من السنة الإسلامية المشتركة أن رسول الله ﷺ لطالما نبّه إلى مسألة الإمامة والخلافة التي مثلت النقطة الأولى لافتراق الأمة الإسلامية، وشدد على أن مسار الوحدة والتقريب يمرّ بهذا الطريق حصراً. وعلى هذا الأساس، سلطنا الضوء في هذه المقالة على مسار الوحدة والتقريب حول محور الإمامة من خلال التمسك بسنة النبي الأكرم ﷺ. وذهبنا إلى إمكان تحقق ذلك، وبيّنا أنه يمكن تجسيد رؤية الوحدة الإسلامية عبر التوافق على أصول مسألة الإمامة وتطبيق فكرة التقريب من خلال إيجاد خطاب مشترك دائر مدار الإمامة، ويتعين على هذا الخطاب تهيئة الأرضية الثقافية والاجتماعية للتجاوز حول مسألة الإمامة، وكخطوة أولى لا بدّ من الكشف عن حقيقة معتقدات الفرق الإسلامية ومبانيها المختلفة وإزالة سوء التفاهم بين الفرقاء. وأهمّ الاستراتيجيات التي تركز إليها هذه النظرية هي: الرجوع إلى مناشئ الاختلاف، والتوعية حول الحقائق الدينية والتاريخية، والتمييز بين الوحدة والتقريب من جهة والاتحاد والتعايش الاجتماعي من جهة ثانية.

الكلمات المفتاحية: التفرقة، الوحدة، التقريب، الإمامة.

١. طالب دكتوراه في قسم المذاهب الكلامية، جامعة الأديان والمذاهب الإسلامية في قم (الباحث المسؤول).

alizadehnajar.m@gmail.com

٢. أستاذ مساعد في معهد الفلسفة والكلام، مركز أبحاث العلوم والثقافة الإسلامية في قم.

sobhani.mt@gmail.com

# وحدت و تقرب بر پایه امامت با تکیه بر مبانی مشترک فریقین\*

مرتضی علیزاده نجار<sup>۱</sup>/ محمدتقی سبحانی<sup>۲</sup>

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی پژوهشی  
امامت پژوهی، سال نازدهم  
شماره اول، شماره پیاپی ۲۹  
بهار و تابستان ۴۰۰  
صفحه ۱۴۲-۱۵۳

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.294482.1325



copyright© the authors

## چکیده

بی‌گمان مراجعه به سیره و سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بهترین راهگشا برای ارائه اندیشه‌ای دینی و کارآمد در حوزه وحدت و تقرب است. از سنت مشترک اسلامی چنین به دست می‌آید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همواره نسبت به مسئله امامت و جانشینی - که نخستین نقطه جدایی امت اسلام بوده است - هشدار داده و مسیر وحدت و تقرب را نیز تنها در این طریق دانسته است. نوشتار پیش رو با تمسک به سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مسیر وحدت و تقرب را با الگوی امامت محور تبیین کرده و تحقق آن را امکان‌پذیر دانسته است. در این دیدگاه، وحدت اسلامی با توافق بر اصول مسئله امامت، و تقرب نیز با ایجاد گفتگویی مشترک و امامت محور حاصل خواهد شد. این گفتمان باید زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی برای گفتگو بر سر مسئله امامت را بگشاید و در گام نخست، حقیقت باورهای فرقه‌های اسلامی و مبانی آنها را فاش نماید و سوء تفاهات را برطرف کند. مهم‌ترین راهبردهای این نظریه عبارت است از: بازگشت به ریشه اختلاف، روشن‌نگری در حقایق دینی و تاریخی و مرزبندی میان وحدت و تقرب با اتحاد و همزیستی اجتماعی.

**کلیدواژه‌ها:** تفرقه، وحدت، تقرب، امامت.

\* تاریخ دریافت: ۱۹/۰۴/۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۰/۰۵/۱۴۰۰.

۱. دانشجوی دکتری مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

alizadehnajar.m@gmail.com

۲. استادیار، پژوهشکده فلسفه و کلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

sobhani.mt@gmail.com

## پیش درآمد

تاریخ پرفرازونشیب اسلام، همواره شاهد تنش‌هایی بوده که آسیب‌هایی جدی بر پیکره اسلام وارد ساخته و شکافی عمیق میان مسلمانان ایجاد کرده است. ریشه تمام این تنش‌ها، اختلافی بود که در صدر اسلام با رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسئله خلافت و امامت پدیدار گشت. زمانی که گروهی از مهاجرو انصار در سقیفه بنی ساعده گرد هم جمع شدند و در صدد انتخاب جانشین برای ایشان برآمدند، اما در مقابل، گروهی دیگر به امامتی الهی باور داشتند، و معتقد بودند که امام یا خلیفه در زمان حیات نبی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معرفی شده است. گروه نخست با استفاده از شرایط موجود در جامعه، توانست مرکب خلافت را زمین کند و بر آن سوار شود و در ظاهر، جریان مخالف را از صحنه حکومت و سیاست حذف نماید. البته در نظر گروه مقابل، امامت الهی چیزی نبود که از صحنه روزگار محو شود و کنار نهادن امام از حوزه حکومت، نمی‌توانست به جایگاه معنوی او خللی ایجاد کند.

شاید آن روز بسیاری از مسلمانان نمی‌دانستند که چه سرنوشت شومی در انتظار این اختلاف است و پیامد این درگیری تا کجا ادامه خواهد یافت. دیری نپایید که ابعاد گسترده و تأثیر عمیق این اختلاف در امور دینی، اجتماعی و سیاسی پدیدار شد. احکام و معارف ناب اسلامی در کشاکش این اختلاف‌ها دچار تحریف و تأویل گشت، و ائمت در سرگستگی و انحرافات اخلاقی و اجتماعی فرو رفت. خون‌های زیادی بر زمین ریخت و لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکر اسلام و مسلمانان وارد شد. در پی این حوادث، آتش کارزار تقابل شیعه و سنی شعله‌ور شد و رفته‌رفته نمایی نامطلوب از اسلام در جامعه جهانی به نمایش گذاشت؛ نمایی که حقانیت اسلام را تحت الشعاع قرار داد و مسلمانان را با اتهاماتی همچون تروریست و خشونت‌طلب مواجه ساخت؛ مردمان بی‌خبر را نسبت به مسلمانان بدبین و بدگمان کرد و زمینه استعمار مسلمانان را فراهم آورد.

این جا بود که جریان‌های گوناگون اسلامی احساس خطر کردند و علما و اندیشمندان

و روشنفکران و سیاستمداران، هرکدام با اهدافی خاص، به فکر اصلاح و ارائه راهکار افتادند؛ تا این‌که رویکردهایی با عنوان وحدت و تقریب در دستور کار قرار گرفت و کنشگران دینی و اجتماعی با انگیزه‌ها و اهدافی گوناگون، وارد میدان شدند و نظریه‌هایی برای حل این مشکل ارائه نمودند. اما شوربختانه تئوری‌هایی که تاکنون در مسیر تقریب و درمان تفرقه میان تشیع و تسنن دنبال شده، چندان گرهی از کار نگشوده است؛ بلکه چه بسا خود نیز دچار آسیب شدند و تفرقه‌های درون مذهبی را، به خصوص در دایره تشیع، به ارمغان آوردند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین علل ناکارآمدی این رویکردها، کم‌توجهی به راهبرد قرآنی و میراث نبوی در رفع اختلافات اسلامی و خروج از محل اختلاف باشد؛ درحالی‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از هر کسی به تفرقه امت آگاه‌تر، و به درمان ریشه‌های آن داناتر، و از هر دلسوزی به صلاح مسلمانان دلسوزتر بود و همواره نسبت به ریشه اختلاف هشدار داده و راهکار درمان آن را معرفی کرده است.

## ۱. مفهوم‌شناسی وحدت و تقریب

پیش از مراجعه به سنت نبوی، فهم مراد از وحدت و تقریب ناگزیر است؛ چراکه باید روشن شود در این مقوله، چه چیزی را دنبال می‌کنیم. امروزه یکی از آفت‌های نظری وحدت و تقریب، بحران معنا است. پیش‌تر نظریه‌پردازان و کنشگران این عرصه، هرکدام واژه و معنایی خاص را در نظر داشته‌اند؛ مثلاً در گفتارهای سیدجمال «اتحاد اسلامی» محل بحث قرار گرفته است<sup>۱</sup> یا امام خمینی بیشتر از اتحاد ملت‌ها و وحدت و همزیستی مسلمانان سخن می‌گفتند. روشن است که خاستگاه بحث در این دیدگاه، تعامل معرفتی و محتوایی بین مذاهب نبود؛ بلکه بحث مصالح سیاسی - اجتماعی امت اسلامی و گرایش‌های همسو در سیاست بین‌الملل مورد توجه بود. گفتمانی که در دارالتقریب مصر شکل گرفت نیز نخست

۱. اسدآبادی، جمال‌الدین، مقالات جمالیه، ص ۱۶۶ و ۱۶۹-۱۷۰. هم‌چنین در این باره نگاه کنید به: صاحبی، محمدجواد، اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی، ص ۱۷۹ به بعد.

معنایی اجتماعی داشت؛ اما در میانه راه معنایی معرفتی پیدا کرد و به باورهای دینی و اختلافات مذهبی پرداخت.

امروزه به درستی روشن نیست که در حوزه عملی، چه معنایی مراد است و چه چیزی دنبال می‌شود و کنشگران این عرصه چه اندازه به تعاریف خود درباره وحدت و تقریب پایبندند. به دیگر سخن، مناسبات وحدت و تقریب در جهان امروز با بحران در معنا روبه‌رو گشته و در نتیجه، مباحثات علمی، عملکردها، متدها و اهداف، با ابهام مواجه است و حتی مخاطبان و متولیان آن نیز به درستی مشخص نیست.

به طور کلی، تعامل میان پیروان مذاهب و رهبران ملل مسلمان سه مقوله دارد که برای فهم مراد، باید این سه مقوله را از یکدیگر جدا ساخت:

۱- اتحاد ملل اسلامی یا همکاری جهان اسلامی؛

۲- همزیستی اجتماعی مسلمانان و گروه‌های اسلامی؛

۳- همفکری و هم‌اندیشی دینی و تقریب مذهبی.

روشن است که در گفتمان نخست، منفعت و مصلحت و قدرت مورد نظر است. این دیدگاه می‌کوشد تا حکومت‌ها و دولت‌های اسلامی را با همه تنوع و سوگیری‌های ایدئولوژیک، بر محور مصالح عمومی و منافع مشترک مسلمانان گرد هم آورد و در مقابل جبهه‌ای که منافع اقتصادی مسلمانان را به خطر می‌اندازد یا موقعیت و قدرت سیاسی آنها را به رسمیت نمی‌شناسد، متحد سازد. مخاطبان و بازیگران این بخش، اصحاب سیاست و قدرت، و هم‌چنین کسانی خواهند بود که بنگاه‌های بزرگ اقتصادی جهان اسلام را در دست دارند، نه توده‌های اجتماعی و عالمان دینی. متد و روش پیشبرد این پروژه نیز در قالب‌های سیاسی و روش‌های تعامل در روابط بین‌الملل تعریف می‌شود.

اما در گفتمان دوم، امنیت و آسایش اجتماعی امت اسلامی مورد نظر است و کنشگران این بخش، توده مردم هستند؛ کسانی که می‌خواهند در آسایش و رفاه و امنیت زندگی کنند. بی‌گمان لازمه همزیستی، اتفاق مذهبی یا انکار اختلافات

مذهبی نیست؛ اگرچه رفع اختلافات مذهبی می‌تواند راه اصلاح حوزه همزیستی را نیز هموار سازد. نیز روشن است که پیشبرد این پروژه، از جنس مقولات اجتماعی است و دانش اجتماعی و تجربه‌های زیستی در سرزمین‌های مختلف سخت به کار می‌آیند.

در گفتمان سوم، تقریب و نزدیکی فکری - معرفتی و صیانت از باورهای اسلامی مد نظر است و کنشگران این عرصه دانشمندان دینی و اصحاب اندیشه هستند. هدف اصلی در این دیدگاه، نزدیکی اندیشه‌ها و آرا و پرهیز از تنش‌های فرهنگی و معنوی و حفظ میراث اسلامی است که آثار آن می‌تواند علاوه بر حوزه معرفت و معنویت، در سایر مشکلات اساسی همچون همدلی اجتماعی و همکاری جهان اسلامی نیز پدیدار شود.

چنان‌که روشن است، امروزه هر سه حوزه در جهان اسلام محل حاجت است و برای دستیابی به آنها باید برنامه‌ریزی و کوشش نمود. پیاده‌سازی هر کدام از این سه پروژه می‌تواند در بهسازی مسیر برای سایر رویکردها نیز مفید باشد. در عین حال تأکید می‌شود که خلط این سه مقوله با یکدیگر، آسیب‌هایی جدی به دنبال دارد. رعایت شرایط و اقتضائات هر پروژه و عدم مداخله عوامل مخرب، در اجرای دقیق و سریع آنها تأثیر تام دارد.

آن‌چه در این نوشتار محل گفتگو قرار می‌گیرد، گفتمان سوم است؛ گفتمانی که به دنبال ارائه چارچوب و درآمدی برای تبیین نظری و عملی این پروژه می‌باشد و به مباحث معرفتی این حوزه ناظر است. بر این اساس چند نکته حائز اهمیت است:

۱. از آیات مربوط به وحدت چنین استفاده می‌شود که در وحدت اسلامی و همگرایی حقیقی، همواره باید حق محوری مورد توجه قرار گیرد، و هر مسیری که به واگرایی از حق منجر شود، تفرقه‌انگیز خواهد بود. برای نمونه، آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>۱</sup> معیار وحدت را تمسک به «حبل الله» دانسته است که چیزی جز حق و رابطه بین بشر و خدای متعال بر یک اصل راستین نیست. آیه «وَلَا تَكُونُوا

۱. آل‌عمران: ۱۰۳.

كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ<sup>۱</sup> نیز تفرقه را در پیروی نکردن از «بینات»، یعنی همان حجت‌های علمی و واقعیات و حقایق دینی دانسته است. در حدیث شریفی از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز وحدت به حق محوری و تفرقه به پیروی از باطل معنا شده است و ایشان جماعت را به «جماعت اهل حق» تفسیر کرده‌اند.<sup>۲</sup> پس با توجه به مجموعه ادله و شواهد گوناگون و نیز شناخت واژه «تفرقه» که ضد وحدت است - از باب «تعرف الأشياء بأضدادها» - می‌توان به تعریف وحدت اسلامی دست یافت و از این منظر وحدت را به «اجتماع امت اسلامی بر محور حق» معنا کرد.

۲. برای تقریب بین مذاهب، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در بیشتر تعاریف‌ها بر همدلی مذهبی و اجتماعی، بدون این‌که اختلاف زوده شود، تأکید شده است. نیز همواره گفته می‌شود که این مهم، با توجه به مشترکات اسلامی به دست می‌آید.<sup>۳</sup> در معنای تقریب، وجود اختلاف نهفته است و نظریه‌های تقریب

۱. آل عمران: ۱۰۵.

۲. «جاء رجل إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال: أخبرني عن السنة والبدعة، وعن الجماعة و عن الفرقة. فقال أمير المؤمنين عليه السلام: السنة ما سن رسول الله صلى الله عليه وآله، والبدعة ما أحدث من بعده، والجماعة أهل الحق وإن كانوا قليلاً، والفرقة أهل الباطل وإن كانوا كثيراً» (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۲/۲۶۶).

۳. رک: کاشف الغطاء، محمدحسین، «بیان للمسلمین»، رسالة الإسلام، ۳/۲۶۹: «لیس المراد من التقريب بين المذاهب الإسلامية إزالة أصل الخلاف بينها، بل أقصى المراد جلّ الغرض هو إزالة أن يكون هذا الخلاف سبباً للعداء والبغضاء، الغرض تبديل التباعد والتضارب، بالإخاء والتقارب»؛ حائری مازندرانی، محمد صالح، «منهاج عملي للتقريب إلى إخواننا المسلمين»، رسالة الإسلام، ۴/۴۰۴: «يكون للتقريب صورة عملية حقيقية ولو تدريجاً من غير أن ينزل السنني عن تسننه ولا الشيعي عن تشيعه»؛ تسخیری، محمد علی، «گفتاری پیرامون وحدت اسلامی و تقریب مذاهب»، اندیشه تقریب، ۸/۱۴: «تقریب مذاهب به معنای نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی با هدف شناخت مشترکات یکدیگر و توسعه مشترکات به منظور دستیابی به برادری دینی بر اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی و نیز معذور نمودن همدیگر در امور مورد اختلاف...»؛ سبحانی، جعفر، رسائل و مقالات، ۱/۴۲۲: «إتّما المراد [من التقريب] هو التقريب بين القادة للمذاهب وبالتالي بين القادة وأتباعهم، وذلك من خلال رسم الخطوط العريضة المشتركة التي



می‌کوشند تا با گفتگو و توافق بر مشترکات دینی، از آسیب‌های این اختلاف‌ها جلوگیری کنند و در عین حال، ارزش‌های اسلامی را حفظ نمایند.

از همین جا تفاوت میان وحدت و تقریب نیز روشن می‌شود. وحدت و یکپارچگی با اختلاف سازگار نیست؛ بلکه مقابل آن است. وحدت اسلامی تنها زمانی شکل خواهد گرفت که مبانی و اندیشه‌های اصولی مورد توافق قرار گیرد. اما تقریب در تعریف پیش‌گفته به معنای اتفاق نظر در اصول مذهبی نیست؛ بلکه به معنای کم‌کردن اختلافات مذهبی بر اساس کتاب و سنت مشترک برای ایجاد همدلی است. تقریب می‌کوشد تا با ایجاد گفتمان‌های معرفتی در راستای رفع درگیری‌های اسلامی، در راه کشف حقیقت و ایجاد همفکری گام بردارد. البته پیامد تقریب می‌تواند دستیابی به اسلام عصر نبوی باشد که تمامی مسلمانان را به صورت یکپارچه در کنار یکدیگر جمع کند و مهر و محبت و برادری و نیز سعادت دنیا و آخرت را برایشان به ارمغان بیاورد.

## ۲. هشدار پیامبر نسبت به وقوع تفرقه

بی‌تردید تفرقه در اسلام، آتشی خانمان سوز است که حیات دینی و دنیوی مسلمانان را به خطر انداخته و مسیر پیشرفت اسلام و سعادت مسلمانان را با چالش مواجه ساخته است، بی‌گمان هیچ‌کس به اندازه پیامبر اسلام نسبت به اسلام و مسلمانان شفقت نداشته و به اندازه ایشان نسبت به وقوع تفرقه نگران نبوده است. نگرانی پیامبر از این اتفاق ناخوشایند در احادیث شیعی و سنی گزارش شده و در بسیاری از جوامع حدیثی بازتاب داشته است؛ چنان‌که فرمود:

تجمع المذاهب الإسلامية في مجال العقيدة والشريعة، وإنه لو كان هناك خلاف فيهما فهو بالنسبة إلى الأمور المتفق عليها قليل جداً؛ واعظ زاده خراسانی، محمد، «الوحدة الإسلامية معالمها وأعلامها»، رسالة التقريب، ۱۱/۲۱: «تقريب بين مذاهب اسلامی عبارت است از همت‌گماردن برای از بین بردن جدایی‌ها - که باعث دوری مذاهب اسلامی و رهبران و پیروانشان از یکدیگر شده است - و نیز یعنی حسن ارتباط میان رهبران عالمان مذاهب و ایجاد فضای هدایت‌گری و شناخت یکدیگر بر اساس مشترکات مذهبی و تبادل آرا در امور اختلافی».

به زودی امت من به هفتادوسه<sup>۱</sup> فرقه جدا خواهند شد که تمامی آنها

به جز یک فرقه در جهنم خواهند بود.<sup>۲</sup>

این روایات به قدری گسترده است که بسیاری از عالمان سنی به فراوانی یا تواتر آن اذعان نموده‌اند.<sup>۳</sup>

حدیث افتراق امت علاوه بر پیشگویی پیامبر ﷺ از اختلافی نزدیک، به روشنی از نگرانی ایشان دربارهٔ فتنه‌های تفرقه‌افکنانه نیز حکایت می‌کند. اما آیا پیامبر اسلام به عنوان پیام‌آور اسلام و صاحب شریعتی ماندگار، با آگاهی از این اتفاق برای جلوگیری از آن چاره‌ای نیندیشیده است؟ بی‌تردید رسالت حضرت خاتم ﷺ چنین می‌طلبد که برای پیشگیری از این فساد خانمان برانداز، چاره‌ای داشته باشند. نمی‌توان پذیرفت پیامبری که برای جزئی‌ترین امور اجتماعی و فردی بشریت برنامه داشته و دینش را کامل‌ترین ادیان می‌دانسته، برای زدودن تفرقه‌ای که خود از وقوع آن آگاهی داشته است راهکاری ارائه نفرموده باشد. در همین راستا عبدالمجید سلیم، از عالمان برجستهٔ الأزهر و از منادیان تقریب و وحدت می‌نویسد:

پیامبر خدا ﷺ از این جدایی بیمناک بود و نسبت به آن هشدار داد. ایشان مؤمنان را همچون یک پیکر می‌دانست و هیچ چیز نزد او - پس از کفر به خدا - مبعوض تر از اختلاف و درگیری - اگرچه در کارهای

۱. در برخی نقل‌ها هفتاد و دو فرقه نیز آمده است.

۲. رک: ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۱۲۰/۳؛ حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ۶/۱ و ۱۲۸-۱۲۹؛ ترمذی، محمد، سنن، ۲۵/۵-۲۶؛ متقی هندی، علی، کنز العمال، ۲۱۰/۱-۲۱۲؛ مناوی، عبدالرؤف، فیض القدر، ۲/۲ و ۳۸۴/۵؛ عینی، محمود، عمدة القاری، ۱۸/۲۲۴. نیز رک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۳/۲۸-۳۶؛ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة، ۲۷/۴۹-۵۰؛ طباطبایی بروجردی، حاج آقا حسین، جامع أحادیث الشیعة، ۱/۱۶ و منابع دیگر.

۳. حاکم نیشابوری، محمد، همان، ۶/۱؛ مناوی، عبدالرؤف، فیض القدر، ۲/۲۱؛ فیض آبادی، حیدرعلی، منتهی الکلام، ص ۲۶۴؛ ابوزهرة، محمد، تاریخ المذاهب الإسلامية، ص ۱۱.

عادی نبود. تنها راه اصلاح این امت، رهایی از تفرقه، و پیکارچگی در اصول دین و ایمان راستین، و خویشتن داری در برابر اختلافاتی است که دلیل و برهانی بر آن وجود دارد.<sup>۱</sup>

بی شک سنت و سیرت پیامبر اسلام ﷺ بهترین مرجع برای تقریب و ایجاد وحدت و زدودن تفرقه است و هرآنچه فرموده باشند، به مقتضای «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»<sup>۲</sup> و برهان عصمت، چیزی جز اراده‌ای الهی و رسالتی آسمانی نخواهد بود.

قرآن کریم نیز همواره پیامبر اکرم ﷺ را داور حل اختلاف معرفی کرده و معیار ایمان را سرافروداوردن در برابر داوری وی دانسته است؛ چنانکه فرموده است: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»<sup>۳</sup>. نیز فرموده است: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»<sup>۴</sup>.

براین اساس، برای زدودن تفرقه باید به آستان حضرت رسالت پناه برد و چاره را در سنت و سیره ایشان جست و داوری رفع اختلاف را به ایشان سپرد. روشن است که هر مسیری غیر از آن، وحدت و تقریب را به سرانجام نخواهد رساند و چه بسا فرجام آن، پائینی اختلاف و دوام ناخوشایندی‌های آن و هدر دادن فرصت‌ها باشد.

### ۳. امامت، الگوی تقریب و وحدت

سیره مستمر پیامبر ﷺ به روشنی گویا است که حضرت از آغاز دعوت، نسبت به امر خلافت و امامت حساس بود و صلاح مسلمانان را در گرو مسئله‌ی جانشینی می‌دانست. پیامبر اکرم ﷺ به خوبی خبر داشت که در آینده‌ای نزدیک، فتنه‌ی تفرقه با اختلاف در امامت شکل خواهد گرفت. از این رو در هر برهه‌ای، با هر بهانه‌ای آن را گوشزد می‌نمود؛ از «یوم‌الدار» که خویشان خود را برای نخستین

۱. رک: ساعدی، محمد، موسوعة أعلام الدعوة، ۱/۶۸۶.

۲. نجم: ۳-۴.

۳. نساء: ۶۵.

۴. نساء: ۵۹.

دعوت علنی گرد هم آورد تا اجتماع عظیم غدیر و روزهای پایانی عمر خویش. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مدیریت امر خلافت را الهی می دانست و با منطقی و حیانی در راستای حفظ جامعه اسلامی از انحراف و افتراق در این امر می کوشید و جامعه را از هر نوع تصمیم سازی درباره آن بر حذر می داشت. ایشان به خوبی می دانست که دخالت جامعه در این امر، اسلام را پاره پاره می سازد و به هم ریختگی اجتماعی و سیاسی و دینی را در پی خواهد داشت. از این رو همواره برای پیشگیری و درمان این درد، تلاش و سفارش می نمود. در بین سفارش های نبوی، گویا برخی از آنها به روشنی برای چاره اندیشی از تفرقه و جلوگیری از انحراف امت صادر شده است؛ به عنوان نمونه می توان به «حدیث ثقلین»، «حدیث سفینه» و «حدیث امان» اشاره کرد؛ احادیثی که از مهم ترین مشترکات شیعه و سنی اند و همگان بر صحتشان اعتراف دارند.

### ۳-۱. حدیث ثقلین

«حدیث ثقلین» چندین بار و در موقعیت های گوناگون از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صادر شده و به طرق فراوان و اسانیدی قابل قبول در منابع شیعه و سنی نقل شده است. برخی منابع پژوهشی شمار صحابیان راوی «حدیث ثقلین» را بیش از سی نفر<sup>۱</sup> و شمار بزرگان و محدثان اهل تسنن که این حدیث را در مجامع حدیثی خود نقل کرده اند، بیش از یکصد و هشتاد نفر دانسته اند.<sup>۲</sup> هم چنین کوشش های ارزشمندی در اثبات تواتر این حدیث انجام شده است.<sup>۳</sup> حتی اگر کسی تواتر این حدیث را نپذیرد، هرگز نمی تواند اعتبار آن را نادیده انگارد؛ زیرا شهرت این حدیث و قرائن بیرونی آن به قدری است که به صدور آن اطمینان حاصل می شود. ابن حجر هیتمی پس از گزارش طرق حدیث ثقلین و نیز اذعان به صحت برخی از آنها، شمار صحابیان

۱. رک. طباطبایی بروجردی، سیدحسین، جامع احادیث الشیعة، ۴۶/۱ و ۶۱؛ حسینی

میلانی، علی، نفحات الأزهار، ۱۸۵/۱.

۲. طباطبایی بروجردی، حاج آقا حسین، همان، ۴۶/۱.

۳. حسینی میلانی، علی، همان، ۱۸۶/۱.

راوی این حدیث را بیست و چند نفر دانسته و نوشته است:

ثم اعلم أنّ لحدیث التمسك بذلك طرقاً كثيرة وردت عن نيف و  
عشرين صحابياً<sup>۱</sup>.

آن چه بر قوت این حدیث می افزاید، وجود این حدیث در صحاح و مسانید و معاجم  
است؛ آثاری همچون صحیح مسلم<sup>۲</sup>، سنن ترمذی<sup>۳</sup>، مستدرک حاکم<sup>۴</sup> و مسند  
احمد<sup>۵</sup> هم چنین طبق دیدگاهی که تمامی احادیث دو کتاب مسلم و بخاری را  
صحیح می شمارد، این حدیث از معتبرترین احادیث خواهد بود. حاکم نیشابوری  
در مستدرک پس از نقل روایتی از حدیث ثقلین به صحت آن بنا بر شرط شیخین  
تصریح می کند.<sup>۶</sup> ابن کثیر نیز به صحت حدیث اعتراف می کند و فاش می نویسد:  
وقد ثبت في الصحيح أنّ رسول الله ﷺ قال في خطبته بغدير خم:  
إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي...<sup>۷</sup>.

ناصرالدین البانی پس از نقل حدیث ثقلین با عنوان «حدیث العترة» به  
صحیح بودن آن اذعان نموده و شواهد و اخبار گوناگونی برای آن بر شمرده است.<sup>۸</sup>  
بر همین اساس، دارالتقریب مصر رساله ای با عنوان حدیث الثقلین به قلم  
محمد قوام الدین قمی و شنوی منتشر کرده که بسیاری از مدارک و سندهای این  
حدیث را از منابع اهل سنت گردآوری نموده است. دارالتقریب آشکارا گفته است  
که نویسندگان در جمع آوری این حدیث، راه حکمت و اعتدال را پیموده است.<sup>۹</sup>  
گزارشات این حدیث در منابع شیعی نیز به قدری فراوان است که شبهه ای در تواتر

۱. ابن حجر، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، ص ۱۵۰.

۲. نیشابوری، مسلم، صحیح، ۱۲۲/۷-۱۲۳.

۳. ترمذی، محمد، سنن، ۶۲۱/۵-۶۲۲.

۴. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۸/۳.

۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۱۷/۳ و ۲۶ و ۵۹ و ...

۶. حاکم نیشابوری، محمد، همان.

۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۲۲/۴.

۸. البانی، محمد، سلسلة الأحادیث الصحیحة، ۳۵۵/۴-۳۵۷.

۹. قمی و شنوی، قوام الدین، حدیث ثقلین، مقدمه دارالتقریب، ص ۳.

آن باقی نمی ماند و با یک جستجوی نرم افزاری، فهرستی بلند از مصادر و روایات آن به دست خواهد آمد؛ تا جایی که صاحب وسائل فاش بیان می دارد:

قد تواتر بین العامة و الخاصة عن النبي ﷺ أنه قال: إني تارك فيكم الثقلين ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا، كتاب الله و عترتي أهل بيتي و إنهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض.<sup>۱</sup>

ناگفته نماند که حدیث ثقلین با الفاظ و متن هایی گوناگونی روایت شده است. در برخی روایات، واژه عترت به کار رفته، در برخی دیگر واژه اهل بیت، و در برخی نیز هر دو با هم یاد شده است. اما باید توجه داشت که تمامی این الفاظ و متون، از حقیقتی یکسان، یعنی تمسک به قرآن و عترت اهل بیت سخن می گویند؛ عترتی که در منابع حدیثی شیعه و سنی به امامان تفسیر شده است<sup>۲</sup> و نه تنها عالمان شیعه، بلکه علمای اهل سنت نیز آن را پذیرفته اند.<sup>۳</sup>

بی گمان اگر بنا باشد مشترکات ملاک تقریب بین مذاهب باشد، یکی از مهم ترین و بارزترین امور مشترک بین دو فرقه، حدیث ثقلین است؛ چنان که پیش تر نیز فقیهی همچون آیت الله بروجردی بر همین اساس دارالتقریب را هدایت نمود و بسیاری از بزرگان، راهکار وحدت و تقریب را در مراجعه به این حدیث دانسته اند.<sup>۴</sup> بی تردید هر راهکاری جدای از راهکار نبوی در عرصه تقریب، اجتهادی در مقابل نص است و راه به جایی نخواهد برد.

۱. حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة، ۲۷/۳۳-۳۴.

۲. به عنوان نمونه نگاه کنید به: جوینی، ابراهیم، فرائد السمطین، ۱/۳۱۷-۳۱۸؛ طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ۱/۱۴۹؛ سبط ابن جوزی، یوسف، تذکرة الخواص، ص ۱۹۹.

۳. رک: حسینی میلانی، علی، نفحات الأزهرا، ۸/۳۴۱-۳۴۷.

۴. به عنوان نمونه، جلد نخست جامع احادیث الشیعة، اثر آیت الله بروجردی، طرح مرجعیت علمی را بر اساس حدیث ثقلین پیش گرفته است. آیت الله صافی گلپایگانی اثر ارزشمند أمان الأمة من الضلال والخلاف را بر همین اساس نگاشته اند. استاد آیت الله حسینی میلانی، در مقدمه غدیر آخرین جایگاه اعلان عمومی، ص ۱۳-۱۷، طرح وحدت بر اساس حدیث ثقلین را از جد امجدشان آیت الله سید محمد هادی میلانی مطرح کرده اند. هم چنین در این باره نگاه کنید به: حسینی میلانی، علی، جواهر الکلام، ۸/۲۰-۲۷.

مهم‌ترین نکاتی که از حدیث ثقلین به دست می‌آید عبارت است از: وجوب پیروی توأمان از قرآن و عترت، استمرار حیات این دو تا قیامت، انحصار نجات از هر نوع گمراهی در این دو مسیر هدایت، جدایی ناپذیری قرآن و عترت، اعلمیت، بی‌قید و شرط بودن تبعیت از اهل بیت، و عصمت، که همگی از امامت خبر می‌دهند و هر مصداق غیر معصومی را از حدیث نفی می‌کنند.

بی‌شک اگر غیر از قرآن و عترت پیامبر ﷺ هر دلیل و راهنمایی برای رهایی از تفرقه وجود داشت، پیامبر اکرم ﷺ از آن خبر می‌داد. اما پیامبر ﷺ چنین نکرد؛ بلکه تنها این دو یادگار را به امانت نهاد. حدیث ثقلین به روشنی بیان می‌کند که هر مسیری غیر از مراجعه به امامت ثقلین، به انحراف و جدایی از دین کشیده خواهد شد. نیز فاش می‌گوید که امامت، محور نجات و بردارنده گرفتاری‌ها است؛ زیرا اگر غیر از این بود، انحصار هدایت در قرآن و عترت صحیح نمی‌بود و اگر غیر از امامت عترت راهی وجود داشت، باید در کنار قرآن از آن یاد می‌شد. بر این اساس، تا زمانی که امت بر محور امامان و گفتار و رفتار ایشان گرد هم نیایند، سلايق ناصحیح و اجتهادات ناروا وارد دین خواهد شد و روزبه‌روز بر اختلافات افزوده خواهد شد و هیچ‌گاه وحدت دینی به دست نخواهد آمد.

علاوه بر مطالب پیشین، بسیاری از عالمان اهل سنت بر این باورند که حدیث ثقلین بر اعلمیت امامان اهل بیت ﷺ دلالت می‌کند.<sup>۱</sup> اعلمیت خود بهترین ملاک و معیار برای محوریت امامان اهل بیت ﷺ و گفتار و کردار ایشان در تقریب و وحدت است؛ یعنی چنان چه همه امت به ایشان مراجعه کنند و فرمایشات ایشان را سرلوحه قرار دهند، از نزاع‌ها و اختلاف‌ها کاسته، و تقریب و سپس یکپارچگی حاصل خواهد شد. در همین راستا بسیاری از عالمان اهل سنت تصریح کرده‌اند که:

إنما قيل للجن والإنس: الثقلان... وقد شبه بهما الكتاب والعترة في  
أن الدين يستصلح بهما ويعمر كما عمرت الدنيا بالثقلين.<sup>۲</sup>

۱. همو، نفحات الأذهار، ۲/ ۲۷۰-۲۷۲.

۲. زمخشری، محمود، الفائق، ۱/ ۱۷۰؛ قاری، علی، مرقاة المفاتیح، ۵/ ۵۹۳.

### ۳-۲. حدیث سفینه

در حدیث معروفی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمود: «مثل أهل بيتي مثل سفينة نوح من ركبها نجي و من تخلف عنها غرق». یعنی: مثل اهل بیت من در بین شما، به سان کشتی نوح است که هرکس بر آن سوار شد، نجات یافت و هرکس از آن تخلف کرد، نابود شد.

این حدیث در بسیاری از منابع شیعی و سنی نقل شده و پژوهش‌های ارزشمندی پیرامون آن انجام شده است.<sup>۱</sup> علامه میرحامد حسین نزدیک به صد نفر از محدثان و متکلمان و عالمان سنی را می‌شمارد که این حدیث را در آثار علمی خود ثبت نموده‌اند.<sup>۲</sup> در این میان، افرادی همچون ابن ادریس شافعی، احمد بن حنبل، مسلم صاحب صحیح، ابویعلی موصلی، طبری، ابن قتیبه، حاکم نیشابوری، خطیب بغدادی، طبرانی، ثعلبی، ابن عبدالبر، شهردار دیلمی، جلال‌الدین سیوطی و دیگران به چشم می‌خورند. حاکم نیشابوری این حدیث را به دو سند یاد کرده و در نقل نخست فاش بیان داشته است که این حدیث، براساس شرط مسلم صحیح است.<sup>۳</sup> شمس‌الدین سخاوی شماری از احادیث سفینه که به سندهای گوناگون از طریق صحابه‌ای همچون ابوذر غفاری، ابوسعید خدری، عبدالله بن زبیر و ابن عباس نقل شده را گردآوری کرده است و ذیل هر حدیث از اسامی کسانی که آن را در آثار خود ثبت نموده‌اند، یاد کرده است.<sup>۴</sup> سخاوی آشکار می‌کند که طرق این احادیث، یکدیگر را تقویت می‌کنند.<sup>۵</sup> ابن حجر مکی طرق این حدیث را پرشمار خوانده و همچون سخاوی، گروهی از آنها را موجب تقویت گروهی دیگر دانسته است.<sup>۶</sup>

۱. به عنوان نمونه رک: کنتوری، میرحامد حسین، عبقات الأنوار-حدیث ثقلین، ۲/ ۷۰۵ به بعد. نیز نگاه کنید به: حسینی میلانی، علی، نفحات الأزهار، ج ۴.
۲. رک. کنتوری، میرحامد حسین، همان، ۲/ ۷۰۵-۷۰۸.
۳. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ۲/ ۳۴۳ و ۳/ ۱۵۰-۱۵۱.
۴. سخاوی، محمد، استجلاب ارتقاء الغرف، ص ۴۷۹-۴۸۴.
۵. همان، ص ۴۸۴.
۶. ابن حجر، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، ص ۱۵۲. هم چنین برای اعتبار و صحت



این حدیث در مصادر شیعی نیز به وفور نقل شده است. علامه مجلسی بابی در ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام به این احادیث اختصاص داده<sup>۱</sup> و آنها را از منابعی همچون احتجاج طبرسی، امالی شیخ طوسی، کمال الدین صدوق و سایر مصادر روایی، نقل کرده است.

درایت حدیث و دلالت آن با توجه به سرگذشت کشتی نوح و رویداد طوفان عذاب، آشکار خواهد شد. از این رو سزاوار است پیش از بیان همانندی اهل بیت پیامبر علیهم السلام با کشتی نوح، گذری به ویژگی‌ها و سرگذشت آن داشته باشیم:

۱. کشتی نوح به دستور الهی و تحت فرمان جبرئیل ساخته شد. از این رو تمامی شاخص‌های آن طبق پیشامدها محاسبه شد و هرگونه خطا و اشتباهی از آن منتفی بود و بدون نقص، همگان را به ساحل نجات رساند: ﴿وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا﴾<sup>۲</sup>، ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا﴾<sup>۳</sup>.

۲. بی‌توجهی به کشتی نوح و به‌سخره‌گرفتن آن عاقبتی ناخوشایند در پی داشت و خدای متعال آن را تلافی کرد: ﴿وَيَصْنَعِ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ﴾<sup>۴</sup>.

۳. این کشتی مستقیماً با فرمان مدبر عالم مدیریت می‌شد و هرگونه حرکت و سکون آن با نام و اذن الهی و به حکم باری و زیر نظر یزدانی بود. از این رو برای رساندن همراهان به ساحل نجات، به هیچ عامل دیگری نیازمند نبود: ﴿بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مَرْسَاهَا﴾<sup>۵</sup>، ﴿تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا﴾<sup>۶</sup>.

---

این حدیث نگاه کنید به: همو، المنح المکیة، ص ۵۳۵؛ بدخشانی، محمد، نزل الأبرار، ص ۳۳.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۲۳/۱۰۴.

۲. هود: ۳۷.

۳. مؤمنون: ۲۷.

۴. هود: ۳۸.

۵. هود: ۴۱.

۶. قمر: ۱۴.

۴. کشتی نوح تنها راه نجات امت بود و سرکشان از آن، راه به جایی نبردند. حتی فرزند نوح که هشدارهای پدر را نادیده انگاشت و خطاب «ارْكَبْ مَعَنَا»<sup>۱</sup> را با «سَآوِي إِلَى جَبَلٍ»<sup>۲</sup> به سخره گرفت، فرجامی جز نابودی نداشت؛ چراکه اراده الهی بر پیروی از نوح، و تنها راه نجات در کشتی او بود؛ چنان که فرمود: «قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُعْرَقِينَ»<sup>۳</sup>.

از برابرسازی ویژگی های یادشده بر اهل بیت پیامبر ﷺ چنین به دست می آید که اهل بیت پیامبر ﷺ نیز با حکم و اراده الهی، بی هیچ خطا و اشتباهی سکان هدایت بشر را در دست دارند و ایشان تنها راه نجات امت اند. پس هر کس به ایشان بی توجهی کند یا راهی دیگر برای نجات و رهایی از مفسد برگزیند، بی تردید گمراه می گردد و در طوفان های زمان خویش غرق می شود.

امام، هادی امت و راهگشای بشر در مسیر دین و دنیا است. پس امام یا از خاندان اهل بیت است یا از ایشان نیست. اگر از ایشان نباشد، سبب هلاکت و گمراهی خواهد بود و اگر از ایشان باشد، سبب هدایت و نجات. بر این اساس، دستور پیامبر بر پیروی از کشتی نجات اهل بیت، دستور به امامت این خاندان است؛ امامتی که پناه و ملجأ مسلمانان و نجات بخش ایشان از فساد تفرقه است و چنانچه مردمان بر محور ایشان جمع شوند و رفتار و باورهای خویش را بر محور ایشان تنظیم سازند، وحدت و تقریب حاصل می گردد.

از کنار هم قراردادن دو حدیث «افتراق امت» و «سفینه» محوریت امامان اهل بیت ﷺ برای نجات امت از تفرقه به دست می آید. حدیث سفینه به درستی وحدت امت بر محور امامان اهل بیت ﷺ را تنها راه نجات دانسته و همراه دیگری را ابطال کرده است. سبط ابن جوزی در روایتی از امیرالمؤمنین ﷺ نقل کرده است:

فنحن أنوار السموات والأرض وسفن النجاة و فينا مكنون العلم وإلينا

۱. هود: ۴۲.

۲. هود: ۴۳.

۳. همان.

مصیر الامور و بمهدینا تقطع الحجج فهو خاتم الأئمة و منقذ الأمة<sup>۱</sup>.

### ۳-۳. احادیث امان

محوریت امامت برای جلوگیری از اختلاف، در حدیث «أهل بیته امان لأمتی» یا «أهل بیته امان لأهل الأرض» بسیار روشن و واضح است. این حدیث که شیعه و سنی بر آن اتفاق دارند، به سندها و الفاظ گوناگونی از پیامبر ﷺ نقل شده که از شمار صدور این حدیث حکایت دارد. حاکم نیشابوری در حدیثی که به صحت آن نیز اعتراف کرده است، از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر فرمود:

النجوم امان لأهل الأرض من الغرق وأهل بیته امان لأمتی من الاختلاف  
فاذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب إبليس. هذا حدیث  
صحیح الإسناد ولم یخرجاه<sup>۲</sup>.

شمس الدین سخاوی در استجلاب ارتقاء الغرف بابی را با عنوان «باب الأمان ببقائهم والنجاة في اقتنائهم» به این احادیث اختصاص داده و شماری از آنها، از جمله روایت حاکم را گوشزد کرده است.<sup>۳</sup> ابن حجر مکی این دسته از احادیث را فراوان دانسته و سپس به چهار نقل، از جمله روایت حاکم اشاره کرده است.<sup>۴</sup> علامه میرحامد حسین شمار زیادی از این احادیث را با شواهدی از گفتار صحابه و علمای اهل سنت پیرامون آن، یک جا گردآوری نموده<sup>۵</sup> و علامه امینی نیز بخشی از آن را در سیرتنا و سنتنا جمع کرده است.<sup>۶</sup>

طبری، ابن اثیر، ابن ابی الحدید و دیگران، در روایتی دیگر چنین نقل کرده‌اند که امیرالمؤمنین علیه السلام در روز شورا، خود و اهل بیت پیامبر را امان امت معرفی نمود و در

۱. سبط ابن جوزی، یوسف، تذکرة الخواص، ص ۱۳۰.

۲. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ۳/ ۱۴۹.

۳. سخاوی، محمد، استجلاب ارتقاء الغرف، ص ۴۷۸.

۴. ابن حجر، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، ص ۱۵۲.

۵. نگاه کنید به: کنتوری، میرحامد حسین، عبقات الأنوار- حدیث ثقلین، ۲/ ۸۶۵-۸۸۶؛

حسینی میلانی، علی، نفحات الأزهار، ۴/ ۳۰۳-۳۳۵.

۶. رک. امینی، عبدالحسین، سیرتنا و سنتنا، ص ۳۸-۴۰.

خطبه ای غرّاً فرمود:

الحمد لله الذي بعث محمداً مّتا نبياً، وبعثه إلينا رسولاً، فنحن [أهل] بيت النبوة ومعدن الحكمة وأمان أهل الأرض ونجاة لمن طلب، لنا حقّ إن نُعظّه نأخذّه، وإن نُمنعّه نركب أعجاز الإبل ولوطال الشّرى...<sup>۱</sup> محدثان شیعه نیز این احادیث را در جوامع حدیثی خویش گرد آورده اند؛ تا جایی که علامه مجلسی بابی را به این احادیث اختصاص داده است.<sup>۲</sup> شیخ صدوق این روایت را به سندهای گوناگون نقل کرده است.<sup>۳</sup> وی در عیون اخبار الرضا از طریق امام رضا علیه السلام و اجداد پاکش، نقل می‌کند که پیامبر فرمود: «النجوم أمان لأهل السماء وأهل بيتي أمان لأمتي».<sup>۴</sup> شیخ طوسی نیز در امالی خود دو حدیث به دو سند نقل کرده است که پیامبر فرمود: «النجوم أمان لأهل السماء وأهل بيتي أمان لأمتي».<sup>۵</sup> هم‌چنین در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أهل بيتي أمان لأمتي من الضلالة».<sup>۶</sup> در برخی احادیث نیز ولایت امامان اهل بیت علیهم السلام امان از آتش دوزخ دانسته شده است.<sup>۷</sup>

۱. رک: طبری، محمد بن جریر، تاریخ، ۲۳۶/۴؛ ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل، ۷۴/۳؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۱۹۵/۱ و ۱۳۴/۱۹ و ...
۲. رک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۳۰۸-۳۱۰/۲۷. گفتنی است که برخی از این احادیث در جهت بیان حجیت امامان معصوم علیهم السلام صادر شده است و این‌که چنانچه در بین ائمت حجتی وجود نداشته باشد، عالم نابود خواهد شد؛ برخی نیز اشاره به ولایت تکوینی ایشان دارد و برخی دیگر به جنبه هدایتگری امامان و حفظ ائمت از انحراف و اختلاف.
۳. رک: صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ص ۱۷۴؛ همو، کمال الدین، ۲۰۵/۱-۲۰۶ و موارد دیگر.
۴. همو، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲۷/۲.
۵. طوسی، محمد بن حسن، امالی، ۲۶۵/۱ و ۳۸۸.
۶. مجلسی، محمدباقر، همان، ۱۲۳/۲۳.
۷. رک: صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۵۶۰؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ۸۸/۲۷: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ولایتي و ولایة أهل بيتي أمان من النار».

مضمون این حدیث در بسیاری دیگر از اخبار معتبر شیعی نیز وجود دارد که از یک سو شاهی بر «احادیث امان» است و از سوی دیگر، به روشنی امامت اهل بیت علیهم السلام را راهکار رهایی از تفرقه معرفی می‌کند؛ به عنوان نمونه، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در خطبه فدکیه می‌فرماید: «جعل الله... طاعتنا نظاماً للملّة و إمامتنا أماناً من الفرقة».<sup>۱</sup> نیز در زیارت صحیح جامعه کبیره<sup>۲</sup> چنین آمده است: «بمواالاتکم تمت الكلمة و عظمت النعمة و ائتلفت الفرقة...»؛<sup>۳</sup> یعنی به موالات شما وحدت کلمه کامل شد و نعمت بزرگ شد و جدایی به یکدلی و وحدت تبدیل گشت. در برخی زیارت‌نامه‌های دیگر نیز در فرازی مشابه آمده است: «بکم تمت النعمة و اجتمعت الفرقة و ائتلفت الكلمة».<sup>۴</sup> در گزارشی از امام باقر علیه السلام پیرامون رویدادهای هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اقامه عزای اهل بیت علیهم السلام آمده است که خداوند متعال فرشته‌ای برایشان فرستاد و او پس از ادای سلام و تحیت به اهل بیت پیامبر و یادآوری گوشه‌ای از فضائل و مناقب ایشان، چنین پیغام داد که:

فأنتم أهل الله صلی الله علیه و آله و سلم الذين تمّت النعمة و اجتمعت الفرقة و ائتلفت الكلمة و أنتم أولیاءه...<sup>۵</sup>

۱. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ۹۹/۱؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ۲۲۳/۲۹. در نسخه احتجاج «أماناً للفرقة» آمده است، اما در بحار الأنوار و بسیاری مصادر دیگر که ایشان نیز از احتجاج نقل کرده‌اند، «أماناً من الفرقة» ثبت شده است. در برخی نقل‌های خطبه آمده است: «الإمامة لمّا من الفرقة» (صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۵۶۸/۳؛ همو، علل الشرایع، ۳۱۴/۱).

۲. مرحوم علامه مجلسی این زیارت را صحیح‌ترین زیارات از نظر سند و شامل تمامی اهل بیت علیهم السلام و دارای فصیح‌ترین الفاظ و بلیغ‌ترین معانی و در بالاترین شأن و جایگاه دانسته است؛ رک: بحار الأنوار، ۱۴۴/۹۹. هم چنین برای توضیح بیشتر درباره صحت این زیارت نگاه کنید به: حسینی میلانی، علی، با پیشوایان هدایت‌گر، ۷۲-۴۵/۱.

۳. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۶۱۶/۲؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ۱۰۰/۶؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ۱۳۲/۹ و منابع دیگر.

۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۵۲۷؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ۱۷/۹۹ و منابع دیگر.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۴۴۵/۱-۴۴۶.

دلالت این احادیث بر محوریت امامت برای تقریب و وحدت به قدری روشن است که هیچ پژوهشگر منصفی نمی‌تواند در آن تردید کند و معیار امامت را انکار کند. مطابق این احادیث، همان‌گونه که ستارگان راهنمای آسمان هستند، پیشوایان اهل بیت علیهم‌السلام نیز راهنمای اهل زمین‌اند و در بسترپذیرش هدایتگری ایشان است که انحراف و اختلاف از بین خواهد رفت.

مجموعه این احادیث، راهکار هدایت بشر و حفظ ایشان از انحراف و تفرقه را بیان نموده و اهل بیت علیهم‌السلام را محور امنیت و پناه امت از تفرقه و گمراهی معرفی کرده است. بنابراین برای ایجاد تقریب باید نام آنها را در جامعه برافراشت و همگان را به سوی ایشان فراخواند.

بی‌تردید اگر مسلمانان در چارچوب این احادیث مشترک عمل نمایند و رهبران مذهبی خود را به این سنت نبوی پایبند بدانند، پروژه تقریب مسیر درست خود را در پیش خواهد گرفت. در نهایت باید دانست، همان‌گونه که امامت اولین مرتبه اختلاف امت اسلام بود، سفارش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این خصوص نیز تنها مسیر رفع اختلاف خواهد بود.

مراجعه به این سنت، مهم‌ترین مسیر تقریب مذاهب و وحدت امت اسلام است؛ چنان‌که در طول تاریخ، بزرگانی با تمسک به این سنت کوشش‌ها نمودند تا مسلمانان را به یکدیگر نزدیک کنند و میراثی ارزشمند از تقریب را به جا گذارند. شخصیتی همچون آیت الله بروجردی در کسوت مرجعیت شیعه، نخستین گام را با طرح مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام با تکیه بر «حدیث ثقلین» برداشت و عالمان و رهبرانی از اهل سنت همچون شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد فحام و دیگران نیز، نه تنها آن را انکار نکردند، بلکه در راستای آن، مرجعیت اهل بیت علیهم‌السلام را پذیرفتند.<sup>۱</sup> سیدشرف‌الدین نیز که همواره از طلایه‌داران تقریب به شمار می‌رود،

۱. فتوای رسمی شیخ شلتوت مبنی بر جواز تعبد به مذهب تشیع در همین راستا بود که در جلسه‌ای با حضور آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی و علما و اندیشمندان دیگر علنی گشت و دو سال بعد، محمد فحام، شیخ الأزهر در نامه‌ای بر آن تأکید کرد؛ رک.

مسیر تقریب را در گفتگوهای امامت محور پیش گرفت که تحسین عالمانی همچون شیخ سلیم بشری را در پی داشت.<sup>۱</sup>

بنابراین مسیر همگرایی اسلامی با ایجاد گفتمانی از ادله امامت و بازخوانی سفارش های نبوی در این باره به خوبی مهیا می شود؛ سفارش هایی که شیعه و سنی صدور آن را گزارش کرده و دیدگاه های خویش را در این باره عرضه نموده اند. این ادله می تواند به یکی از این دو نتیجه ختم شود: نتیجه آرمانی آن در حوزه اعتقادات ممکن است به تفاهم و همگرایی در نظریه عمومی امامت (به صورت کلی یا جزئی) منجر شود که در این صورت وحدت حقیقی در اصول یا فروع حاصل خواهد شد. اما رسالت تقریب، چنان که گذشت، لزوماً یکسان سازی باورها نیست؛ بلکه تفاهم و تعامل نزدیک میان مذاهب و اندیشمندان اسلامی است؛ تفاهمی سازنده که با شناخت آرا و دیدگاه ها حاصل می شود و شیعه و سنی را به درک متقابل از یکدیگر نزدیک می سازد. از این رو پروژه تقریب در هر صورت باید پشتوانه های فکری فریقین را بشناساند و همگان را به سنت پیامبر ﷺ فراخواند و در نتیجه، نزاع ها را بکاهد و مصالح مسلمانان را تأمین نماید. از این منظر طرح مباحثات امامت و مراجعه به سنت یادشده، دست کم می تواند تفاهم و همگرایی و به رسمیت شناختن باورهای صحیح را در پی داشته باشد. بر این اساس، گفتگوی امامت محور با تکیه بر قرآن مجید و سنت

قمی، محمدتقی، قصة التقريب: أمة واحدة، مقدمة سیدهادی خسروشاهی، ص ۲۹ و ۶۹-۷۰.

۱. به عنوان نمونه، پس از آن که سید شرف الدین در مراجعه نهم، به بحث از حدیث ثقلین، حدیث سفینه، حدیث امان و... پرداخته است، شیخ سلیم با شوقی وصف ناشدنی نوشته است: «قد ورد علي من أدلتك و بيناتك ما استأنف نشاطي و أطلق عن نفسي عقال السأم فزدني من جوامع كلمك و نوايغ حكمتك فإني ألتمس في كلامك سؤال الحكمة وإنه لأندى علي فؤادي من زلال الماء»؛ دلایل و برهان های نایاب بیشتر به من بگو شده و از خستگی رهایم کرده. از سخنان جامع و حکمت های نایاب بیشتر به من بگو که گمشده های حکمت را از سخنان شما تمنا می کنم؛ چرا که از آبی زلال گواراتر است (شرف الدین عاملی، عبدالحسین، المراجعات، ص ۱۹).

پیامبر ﷺ می‌تواند در دو حوزه وحدت و تقریب دستاورد داشته باشد. از یک سو، هرآنچه در این منبع بدان تأکید شده معیار و میزان وحدت خواهد بود و وحدت دینی در سایه سرسپاری به مرجعی که سنت معرفی کند به دست خواهد آمد و از سویی دیگر، مسیر تقریب نیز با ایجاد گفتگو بر همان مرجع و هم‌اندیشی و تفاهم بر همان سنت مشترک هموار می‌شود؛ چراکه ادله به خوبی معیار و تراز همدلی و همگرایی را مشخص کرده‌اند و کسانی که این معیار را نمی‌پذیرند، باید بر سر آن گفتگو کنند و اشکالات آن را بر طرف سازند و چنانچه اشکالاتی بر آن وارد نباشد، بر اساس آن توافق و همدلی ایجاد کنند.

#### ۴. راهبرد تقریب امامت محور

دستیابی به هر هدف بلندمدتی، نیازمند برنامه و ساختاری کلان است؛ برنامه‌ای دقیق، عملیاتی و پیوسته که فرصت‌ها و تهدیدها را در نظر بگیرد و طرحی جامع برای رسیدن به هدف معرفی نماید. این برنامه کلان، همان راهبرد یا استراتژی است که پیچیدگی‌ها، موانع و تحولات را می‌سنجد و در نهایت، نقشه راه برای دستیابی به هدف را مشخص می‌کند. اهمیت راهبرد از آن جهت است که از انحراف و سردرگمی در رهیافت جلوگیری می‌کند و هماهنگی لازم را میان تصمیم‌سازان و رهبران ایجاد می‌کند.

به نظر می‌رسد وحدت و تقریب در گذر زمان آن چنان با عوامل و متغیرهای گوناگون روبه‌رو گشته که به لحاظ نظری، دچار بحران شده و در رویارویی با چالش‌های روزافزون جهان اسلام، توانمندی و کارایی خود را از دست داده است. برای خروج از این بحران، باید راهبردهایی ترسیم شود تا اهداف و چگونگی دستیابی به آن، از ابهام و سرگستگی خارج گردد. آنچه در این گفتار کوتاه ملاحظه می‌شود، تنها اشاره‌ای به راهبردهای ابزاری و تفسیری وحدت و تقریب است که شرایط و پیچیدگی‌ها را سنجیده و عوامل شکست را بررسی نموده است و در نهایت، الگوی پیشنهادی را ارائه می‌کند. البته خود این الگوها نیازمند پژوهش و هم‌اندیشی‌های جدی و گسترده است. اکنون به چهار راهبرد اساسی در این نظریه اشاره می‌شود:



#### ۴-۱. بازگشت به ریشه‌های اختلاف

به گواه تاریخ، ریشه تمام نزاع‌های مسلمانان، از سقیفه تا جمل و از جمل تا صفین، و نیز عمده درگیری‌های دینی و سیاسی و اجتماعی شیعه و سنی تا به امروز، از اختلاف در امامت نشئت گرفته است. پس تا زمانی که این عامل اصلی محور گفتگو نباشد، تقریب به سرانجام نخواهد رسید.

سیره سلف صالح، اصحاب ائمه اطهار علیهم‌السلام و علمای دین نیز همین بوده است و برای تقریب مذاهب بر نقطه اختلاف تمرکز می‌کردند و گفتگوهایی در حوزه امامت به راه می‌انداختند. خاندان نوبختی در رویارویی با معتزلیان بیشتر بر مباحث امامت متمرکز بودند.<sup>۱</sup> در بغداد بزرگانی از شیعه همچون شیخ مفید و سید مرتضی و در مقابل، افرادی همچون رمّانی و قاضی عبدالجبار، همین مسیر را پیش گرفتند. شیخ مفید در جلسات علمی با ابوعبدالله جعل، علی بن عیسی رمّانی و دیگران حاضر می‌شد و گفتگوهایی با رجال معتزله و اهل حدیث در باب امامت داشت.<sup>۲</sup> سید مرتضی نیز الشافی فی الامامة را در همین راستا نگاشت و مباحث امامت کتاب المغنی، اثر قاضی عبدالجبار را مورد نقد قرار داد. به گزارش مجلسی اول، این گفتگوها تا زمان شیخ طوسی استمرار داشته است و ایشان مجالس بزرگی تشکیل می‌دادند و گفتگوهایی پیرامون امامت و سایر اصول و فروع برگزار می‌کردند.<sup>۳</sup> موفقیت استراتژی شیخ طوسی نیز به قدری بود که برخی شافعیان وی را پذیرفتند و نام وی را در طبقات الشافعیة آوردند.<sup>۴</sup> تأثیر این راهبرد را می‌توان در تقریب معتزله بغداد با امامیه یافت که در بسیاری از باورها، اختلافات بی‌اساس را کنار نهادند و تقریب واقعی ایجاد نمودند؛ چنان که برخی بزرگان معتزله همچون ابن قبه رازی، ابن مملک، ابن راوندی، ابو عیسی وراق و ابوحسین سوسنگردی و...

۱. آثار ایشان در این باره شاهی بر این مدعا است؛ به عنوان نمونه نگاه کنید به: نجاشی،

احمد بن علی، رجال، ص ۳۱-۳۲؛ امین، محسن، أعیان الشیعة، ۱/۳۵-۱۳۶.

۲. رک: الحسن، عبدالله، المناظرات، ۳/۲۷۰-۳۰۵ و ۴/۱۲۵-۱۳۶.

۳. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین، ۴/۴۰۵.

۴. سبکی، عبدالوهاب، طبقات الشافعیة الکبری، ۴/۱۲۶.

به اندیشه امامت شیعی گرویدند و در دفاع از آن کوشیدند<sup>۱</sup> و تمامی معتزلیان بغداد و جمع زیادی از معتزله بصره در افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام با شیعه هم‌نوا شدند.<sup>۲</sup> در مسئله جبر و اختیار نیز هر دو مذهب با الهام از گفتار امامان به عدل الهی روی آوردند و چنان تقارب ایجاد گشت که جریان اعتزال همچون شیعه به «عدلیه» شناخته شدند. پس چنان‌که مشاهده می‌شود، راهبرد گفتگو بر محور اختلافات، چنان تأثیری داشت که تنش‌های میان شیعه و سنی را به میدان گفتگو و مناظرات علمی تبدیل کرد و اختلافات، جای خود را به هم‌اندیشی و تقارب در اندیشه‌ها داد.

این راهبرد در مدرسه حله نیز یافت می‌شود. شخصیتی همچون علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی<sup>۳</sup> که علمدار مباحث امامت بود، همواره با علمای اهل سنت مراد و مکاتبات علمی داشت. او به دور از هرگونه تنش و درگیری، راهبرد گفتگو در ریشه اختلاف، یعنی امامت را در دستور کار قرار داد و از این طریق، در کاستن نزاع‌ها گام برداشت. مناظره علامه با خواجه نظام‌الدین عبدالملک - عالم بزرگ شافعی - در مجلس سلطان محمد خدابنده و نیز گفتگوی وی با سید موصلی در مسئله امامت،<sup>۴</sup> نشانگر راهبرد دقیق ایشان در رفع اختلافات با تمرکز بر ریشه اختلافات است.

۱. رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۲۳۶، ۳۷۵-۳۷۶؛ امین، محسن، همان، ۱۳۴/۱-۱۳۵. هم‌چنین در این باره نگاه کنید به: جمعی از پژوهشگران، زیر نظر محمدتقی سبحانی، جستارهایی در مدرسه کلامی بغداد، ص ۹۲-۹۴ و ۹۹-۱۰۳ و ۱۰۵-۱۱۰ و ۱۳۲-۱۳۳ ...

۲. رک: ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، شرح نهج البلاغه، ۱/ ۷-۹؛ ناشی اکبر، عبدالله، مسائل الإمامة، ص ۲۱۰-۲۱۱.

۳. گفتنی است نشریه اندیشه تقریب، وابسته به مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، پرونده‌ای با عنوان پیشگامان تقریب باز کرده است و در هر شماره، یکی از شخصیت‌های تقریبی را معرفی می‌کند. این نشریه در شماره ۱۱ از علامه حلی به عنوان یکی از پیشگامان تقریب یاد کرده است.

۴. رک: شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، ۱/ ۵۷۱-۵۷۲.

به نظر می‌رسد امروزه نیز مجامع تقریبی و همایش‌های وحدت باید همین استراتژی را دنبال کنند و با ایجاد گفتگوها و برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌های علمی در مسئله امامت و سایر مباحث اختلافی در بین مذاهب اسلامی، افق وحدت حقیقی را بیابند و با هم‌اندیشی در ریشه‌ی اختلاف، عوامل تفرقه را شناسایی کنند و بدینی و سوء تفاهم را از امت اسلام بزدایند.

#### ۴-۲. توجه به مراحل و گذرگاه‌های تقریب و وحدت

بی‌گمان امامت دارای ابعاد گسترده‌ای است؛ ابعادی به پهنای تمامی باورها، احکام، اخلاق، مسائل اجتماعی و سیاسی. هم‌چنین به همان میزان، اختلاف و تفرقه در امامت نیز در طول زمان گسترش یافته و امروزه به عرصه‌های جزئی‌تر و عینی‌تری رسیده است. طبیعی است که حل و فصل تمامی اختلافات از عهده‌ی ما در یک مقطع کوتاه زمانی خارج است و چه بسا تا عصر ظهور، کسی توان ازین بردن تمامی تفرقه‌ها را نداشته باشد. وحدت آرمانی تنها در سایه‌ی حکومت منجی عالم بشریت به دست خواهد آمد؛ اما کاستن از اختلافات در اندازه‌ای که امت اسلامی را از تفرقه‌های خانمان‌سوز نجات بخشد، نه تنها شدنی است، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر می‌باشد. بنابراین نباید گمان کرد که یکبارہ می‌توان مشکلات عمیق تاریخی و اعتقادی را حل نمود؛ مشکلاتی که پس از سقیفه آغاز گشته و رفته‌رفته لایه‌های عمیق‌تری یافته و با تئوری‌پردازی‌های جریان‌های گوناگون، به مذاهبی چندگانه تبدیل گشته است. بلکه باید با توجه به لایه‌های اختلاف و شناسایی اموری که تأثیر مستقیم بر نزاع‌های شیعی - سنی دارد، به صورت گام‌به‌گام زمینه‌های تفرقه را از میان برداشت.

تجربه‌ی گذشتگان و عملکرد عالمان دلسوز دین نیز همین را نشان می‌دهد. آنان با توجه به مسائل اختلافی، گذرگاه‌های تقریب و وحدت را شناسایی نمودند و از این طریق، نتایج موفقی را تجربه کردند. نمونه‌ای از این تجارب، طرح مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام بود که - با صرف نظر از کاستی‌هایی که داشت - با شناسایی یکی از گذرگاه‌های وحدت و تقریب، گامی بلند در تقریب مذاهب برداشت.

تقریب به سان همه پروژه‌های کلان اجتماعی، مرهون فرصت‌ها و اقتضائات اجتماعی و تاریخی است و تنها با شناسایی تحولات و بهره‌گیری از این فرصت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که می‌توان عرصه‌های گفتگوهای تقریبی را باز گشود. مدیران و رهبران گروه‌های اسلامی، به‌ویژه مسئولان پروژه تقریب در بین شیعه و سنی، قبل از هر چیز باید بر بنیه‌های فکری نخبگان هوشمند در عرصه‌های کلامی و فقهی تکیه کنند و با بهره‌گیری از مغزهای استراتژیست و محققان علوم اجتماعی، تلاش کنند از هرگونه موقعیتی برای گشودن باب گفتگوهای سازنده علمی در خصوص مسائل امامت و اندیشه‌های مؤثر اعتقادی، استفاده کنند. انتخاب موضوعات مناسب و گزینش ادبیات علمی و رویکردهای جذاب و شوق‌آفرین، به همراه ایجاد فضایی اخلاقی و دوستانه، می‌تواند به رونق این گفتگوها کمک کند.

#### ۳-۴. روشننگری در باب حقیقت عقاید شیعه و سنی و رفع ابهامات و اشکالات

اسباب استمرار و تداوم اختلافات شیعه و سنی را می‌توان در دو عنصر جستجو کرد: یکی ناآگاهی و بی‌خبری از حقایق و دیگری تعصب و غیرت‌ورزی نابخردانه. سوگمندها باید گفت که پس از به‌هم‌ریختگی نهاد امامت و ازهم‌پاشیدگی امت اسلام، عواملی شیطانی و منفعت‌طلب از این آشفتگی سوءاستفاده کردند و برای دستیابی به اهداف شوم خویش، به کتمان حقایق و نیز توطئه و جعل دست یازیدند.

از یک سو حاکمان و زمامداران نامشروع، از جمله حکام اموی، و نیز نواصب و مسلمان‌نمایی که هیچ‌گاه به اسلام باور نداشتند یا بغض و کینه اهل بیت پیامبر ﷺ را در دل می‌پروراندند، کوشش‌های فراوانی در این راستا نمودند. از سویی دیگر جریان‌های غالی نیز با بافتن برخی مقام‌های الوهی و ربوبی برای امامان اهل بیت ﷺ دامن تشیع را با دروغ‌های خود آلوده ساختند. این عوامل سبب شد تا عموم جامعه اهل سنت فهم صحیحی از شیعه و تشیع نداشته باشند و با افتراءات بی‌اساس، شیعه را به باورهایی ناصحیح متهم کنند. بسیاری

از این افتراءات، در باب امامت و چگونگی پیدایش مذهب تشیع شکل گرفت و آسیب‌های زیادی بر پیکره اسلام وارد کرد.

به عنوان نمونه، گفته می‌شود که مذهب تشیع برخاسته از تفکرات شخصی یهودی به نام «عبدالله بن سبأ» است؛ او است که تشیع را پایه‌ریزی کرده و هدفش از این کار هدم اسلام بوده است.<sup>۱</sup> در این باره همواره کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نوشته می‌شود؛ در حالی که هیچ‌گاه این ادعا ثابت نشده و هیچ شیعه امامی‌ای عبدالله بن سبأ را به رسمیت نشناخته است.

در نمونه‌ای دیگر، فراوان گفته می‌شود که شیعیان معتقدند جبرئیل در ارسال وحی خیانت کرده و به جای این که آن را به علی بن ابی طالب ع برساند، به پیامبر اکرم ص منتقل کرده است؛ از این رو شیعیان بعد از سلام هر نماز دست‌ها را بالا می‌برند و سه بار عبارت «خان‌الأمین» را تکرار می‌کنند. این افترا و تهمت نیز به قدری بزرگ است که شنیدن آن همواره تعجب شیعیان را به همراه دارد.

تهمت‌های بزرگی در باب اعتقاد شیعه به تحریف قرآن و نیز برداشت‌های نادرست در شرایط و ویژگی‌های امام و امثال آن، از دیگر مباحثی است که باید در گفتگوهای علمی با دقت و حوصله مورد بحث قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین راهبردهای تقریب امامت محور، رفع این سوء تفاهات و جلوگیری از نشر دروغ‌ها و بهتان‌ها است؛ بهتان‌هایی که میان مذاهب تفرقه انداخته و مسلمانان را پاره‌پاره کرده است. از این رو معرفی حقیقت شیعه و باورهای شیعیان در امامت و نیز وفاداری ایشان نسبت به سنت پیامبر اکرم ص و بیان حقیقت امامت، باید در دستور کار تقریب باشد تا با این استراتژی عقلانی، ریشه اتهامات خشکانده، و عوامل ابهامات برچیده شود. در این باره شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء پس از نقل برخی اتهامات و نشر اکاذیب بر ضد شیعه می‌نویسد:

لو عرف المسلمون حقيقة مذهب الشيعة، وأنصفوا أنفسهم و

۱. به عنوان نمونه، رک: ابن تیمیة، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة، ۴۷۸/۸-۴۷۹؛ قفاری، ناصر، أصول مذهب الشيعة، ۷۱/۱-۷۲ و ۷۸؛ شری، عبدالرحمن، عقائد الشيعة الإثني عشرية، ص ۱۸ و منابع دیگر.

إخوانهم لأمتوا روح تلك النشرات الخبيثة التي تثير الحفيظة وتزرع الضغينة...<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، مقولات گوناگونی در رابطه با امامت در اندیشه سنی وجود دارد که باید مورد گفتگو قرار گیرد. از جمله این موارد، شناسایی خط نواصب و توهین‌کنندگان به شخصیت اهل بیت علیهم‌السلام و گزارش‌های اهانت‌آمیز آنها است که منابع اهل سنت، علی‌رغم تصریح به دشمنی و بغض ایشان با اهل بیت علیهم‌السلام، به وثاقتشان حکم کرده‌اند.<sup>۲</sup> نیز آشکار نمودن دست‌های آلوده که با عناوینی همچون: «فریة الرافضة يهود هذه الأمة»، «محنة الرافضة محنة اليهود»، «الروافض ليسوا من المسلمين»، با فحاشی به تفرقه شیعه و سنی دامن زده‌اند؛ چنان‌که علامه امینی در بحثی مفصل با عنوان «نقد و إصلاح حول الكتب المزورة»، آثاری همچون العقد الفريد، الانتصار، الفصل في الملل والنحل، منهاج السنة، الشیعة و السنة را معرفی نموده و اتهاماتشان که به تفرقه‌افکنی میان مسلمانان دامن زده‌اند را به کرسی نقد و بررسی نهاده است.<sup>۳</sup> هم چنین شناسایی کسانی که زمینه‌های این دشمنی و تفرقه را با توهین و لعن امیرالمؤمنین علیه‌السلام آغاز کردند که به قتل و غارت مظلومان شیعه و ذریه پیامبر منجر شد.<sup>۴</sup> بررسی این جریان‌ها تا اندازه‌ای بر حقایق تاریخی نور می‌افکند و زمینه نزدیکی دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام از میان شیعه و سنی را فراهم می‌کند.

از دیگر نمونه‌ها می‌توان به ادبیات اهل سنت در حمایت از حاکمان جور و فاسد و مشروعیت بخشیدن به ظلم و تجاوز در هسته مدیریت امت اسلامی یا نظریه تغلب اشاره کرد.<sup>۵</sup> پذیرش نظریه تغلب به عنوان الگوی اساسی خلافت در تاریخ

۱. کاشف الغطاء، محمدحسین، أصل الشيعة وأصولها، ص ۱۳۹.

۲. در این باره نگاه کنید به: امینی، عبدالحسین، الغدير، ۴۷۵-۴۷۰/۵.

۳. نگاه کنید به: همان، ۴۵۳/۳.

۴. کتاب مقاتل الطالبیین اثر ابوالفرج اصفهانی تنها نمونه‌ای از قتل و غارت ذریه جناب ابوطالب علیه‌السلام و فرزندشان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

۵. به عنوان نمونه، رک: ابویعلی، محمد، الأحكام السلطانية، ص ۲۳-۲۴؛ غزالی، محمد،

اسلامی، چهرهٔ مدنیت اسلامی را در تاریخ به صورتی زشت و سیاه به تصویر کشیده و اصول اساسی فرهنگ قرآنی را پنهان نگاه داشته است. نقد تئوری‌های نادرست و نزدیک شدن به شرایط قرآنی در حکومت و امامت، فاصله‌های نظریهٔ امامت و خلافت را کمتر می‌کند و باب گفتگو بر سر شرایط راستین امامت را آماده‌تر می‌سازد.

#### ۴-۴. تفکیک اتحاد سیاسی و اجتماعی از وحدت و تقریب دینی

پیش‌تر در مفهوم‌شناسی بیان شد که تعامل میان پیروان مذاهب و رهبران ملل مسلمان در سه مقوله تعریف می‌شود که عبارت‌اند از: اتحاد ملل اسلامی یا همکاری جهان اسلامی، همزیستی اجتماعی مسلمان و در نهایت حوزهٔ همفکری و هم‌اندیشی و تقریب. باری اهمیت اتحاد سیاسی و همزیستی اجتماعی بر کسی پوشیده نیست، اما آمیختگی آن با تقریب و وحدت دینی همواره مشکل‌ساز بوده است و نه تنها روند اجرای اتحاد سیاسی - اجتماعی را کند می‌کند، بلکه آسیب‌هایی جدی به تقریب دینی و آموزه‌های مذهبی وارد می‌سازد. به نظر می‌رسد برای رهایی از این مشکل، باید میان سه مقولهٔ یادشده در حوزهٔ کاری جداسازی نمود و برای گفتگوهای تقریبی و همفکری‌های دینی، چارچوبی خاص در نظر گرفت؛ چراکه:

اولاً: هریک از این سه بخش، سیاست‌ها و الگوها، روش‌ها و متولیان خاص خود را دارد و آمیختگی این سه حوزه با یکدیگر، سبب می‌شود تا مخاطبان، متولیان، روش‌ها و اهداف، به طور دقیق روشن نباشد. متولیان امر سیاست موضوعاتی غیر از باورهای اعتقادی و تنش‌های مذهبی را دنبال می‌کنند. صرف‌نظر از جمهوری اسلامی ایران که در آن دین و سیاست در کنار یکدیگر تعریف می‌شود، به طور معمول در بیشتر کشورهای اسلامی این‌گونه نیست و سیاستمداران اجازهٔ ورود علما به مسائل سیاسی را نمی‌دهند. در بسیاری از حکومت‌ها، سیاست در اختیار

الاقتصاد في الاعتقاد، ص ۵۰۸-۵۰۹؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة، ۱/۵۲۸-۵۲۹؛ تفتازانی، مسعود، شرح المقاصد، ۲۳۳/۵ و منابع دیگر.

سکولارها و جریان‌های غیردینی است و اساساً جایگاهی برای علما تعریف نشده است. آیا دولت‌های سکولار در کشورهایی همچون ترکیه، جمهوری آذربایجان و تاجیکستان که از اکثریت مسلمان برخوردارند، و حتی کشورهای اسلامی همچون مصر و افغانستان و پاکستان، حاضرند بر اساس خواست علما تصمیم بگیرند؟ اساساً آیا خود علما اقبالی به این امر دارند؟

شاید بتوان گفت که در عرصه ملی نیز این دولت‌ها هستند که برای حفظ اتحاد شیعه و سنی یا تفرقه میان آنها تصمیم‌سازی می‌کنند؛ چنان‌که شاهدیم برخی دولت‌های سنی همچون عربستان پیروان مذاهب دیگر را در تنگنا قرار داده‌اند و شدیدترین برخوردها را با آنها دارند. حتی اگر بر فرض، در عرصه ملی علما بتوانند نقش‌آفرینی کنند، بی‌گمان در عرصه بین‌المللی چنین چیزی مشکل است؛ چنان‌که می‌بینیم با وجود تلاش‌های فراوان مجمع تقریب درباره مسئله فلسطین، هنوز این حکومت‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند تا با اسرائیل ارتباط داشته باشند یا خیر.

از این رو کنفرانس‌هایی که با حضور علما از کشورهای گوناگون برگزار می‌شود، با وجود هزینه‌های فراوان، در این بخش چندان دستاوردی ندارد و تمام مجامع علمایی، کنفرانس‌ها و فعالیت‌های اتحاد سیاسی، بدون همراهی حکومت‌ها و سیاستمداران، جنبه تشریفاتی دارد و چندان آثاری را در پی نخواهد داشت.

البته عکس این ماجرا صحیح است؛ یعنی تصمیمات و معادلات سیاسی ممکن است بر پروژه‌های تقریبی اثر بگذارد و چه بسا یک دولت یا حکومت برای ورود به مناسباتی خاص، تصمیمی بگیرد که راه تقریب بین مذاهب در عرصه بین‌المللی را آسان سازد و چه بسا ممکن است تصمیمات حکومت‌ها سبب قطع ارتباط شود و اساس پروژه تقریب را به هم بریزد یا در مسیر آن موانعی ایجاد کند. بنابراین بهتر آن است که دانشمندان دینی با تشخیص کارویژه‌های اختصاصی خود به اهمیت تقریب مذهبی واقف شوند و این مهم را در دستور کار قرار دهند و اهداف خود را از این طریق دنبال کنند.



ثانیاً: پیشبرد همگام و آمیخته اتحاد سیاسی و همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان با تقریب معرفتی بین مذاهب، همواره سبب خلط و اشتباه مباحث با یکدیگر شده است؛ به عنوان مثال، برای تعاملات اجتماعی - سیاسی به وجود یکپارچگی باورها و احکام استناد می‌شود؛ تا جایی که برخی از کنشگران این عرصه، عقاید و احکام شیعه و سنی را تا نودوپنج درصد مشترک دانسته‌اند.<sup>۱</sup> در حالی که باید توجه داشت که تقویت تعاملات سیاسی و اجتماعی نباید به پوشاندن حقایق و ادعای یکسانی باورها و انکار اختلافات مذهبی یا بی‌نیازی از گفتگو در اختلافات عقیدتی و فقهی معنا شود. وابسته‌سازی همزیستی اجتماعی و اتحاد سیاسی به اشتراک باورها و پرده‌پوشی اختلافات، نه تنها تأثیری در پیشبرد اهداف اجتماعی و اتحاد ملل مسلمان ندارد، بلکه به تدریج زمینه‌های فتنه‌افکنی دشمنان را فراهم می‌آورد و سبب فراموشی معارف اهل بیت علیهم‌السلام و حقایق تاریخی اسلام می‌شود.

روشن است که هیچ خردمند و پاک‌روانی با اصل اتحاد جوامع اسلامی مخالف نیست. نیز هیچ عالم و دانشمند دلسوزی همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان را رها نمی‌کند، بلکه وظیفه خود می‌داند؛ اما چرا گاه مسئله وحدت با هشدار جدی عالمان مذهب مواجه می‌شود؟! این که عالمی در بالاترین سطح زعامت شیعه تأکید می‌کند: «این همه کوس وحدت! امان نمی‌فهمند بین نور و ظلمت وحدت محال است. بین علی و ابوبکر وحدت محال است»،<sup>۲</sup> جای رسیدگی و مطالعه دارد که روشن شود، مراد ایشان از وحدت چیست. این در حالی است که هم ایشان در جواب استفتا درباره حسن معاشرت با مخالفان مذهب فاش می‌گوید:

هرکس شهادت به وحدانیت خداوند متعال و رسالت خاتم انبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۱. واعظ‌زاده خراسانی، محمد، «الوحدة الإسلامية معالمها وأعلامها»، رسالة التقريب، ۱۱/ ۲۱؛ تسخیری، محمدعلی، «گفتاری پیرامون وحدت اسلامی و تقریب مذاهب»، اندیشه تقریب، ۱۷/ ۸.

۲. وحید خراسانی، حسین، «سخنرانی آیت‌الله العظمی وحید خراسانی در درس خارج فقه، دوشنبه، ۱۱/ ۹۴»، [https://www.youtube.com/watch?v=ilx\\_Onvpr-Q](https://www.youtube.com/watch?v=ilx_Onvpr-Q)، تاریخ مراجعه: ۱۶/ ۰۸/ ۱۴۰۰.

بدهد مسلمان است و جان و عرض و مال او مانند جان و عرض و مال کسی که پیرو مذهب جعفری است، محترم است و وظیفه شرعی شما آن است که با گوینده شهادتین، هرچند شما را کافر بداند، به حسن معاشرت رفتار کنید و اگر آنها به ناحق با شما رفتار کردند، شما از صراط مستقیم حق و عدل منحرف نشوید. اگر کسی از آنها مریض شد، به عیادت او بروید و اگر از دنیا رفت، به تشییع جنازه او حاضر شوید و اگر حاجتی به شما داشت، حاجت او را برآورید و به حکم خدا تسلیم باشید که فرمود: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ اَلَّا تَعْدِلُوْا عَدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی» و به فرمان خداوند متعال عمل کنید که فرمود: «وَلَا تَقُولُوْا لِمَنْ اَلْقٰی اِلَيْكُمُ السَّلٰمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا»<sup>۱</sup>.

به نظر می‌رسد، عامل اصلی مخالفت برخی عالمان با پروژه‌های وحدت یا تقریب، انحراف در معنای اتحاد اسلامی و حسن معاشرت، و درهم آمیختگی آن با وحدت اعتقادی و مباحث معرفتی، و نیز مصلحت‌اندیشی‌های ناروا در امور مذهبی است. طبیعی است که عالم دین وقتی می‌بیند که به نام وحدت اسلامی سخنانی گفته می‌شود که در آنها اساس اختلافات عقیدتی بی‌اهمیت جلوه داده می‌شود، یا باورهای دینی مخالفان بدون هیچ مبنای علمی‌ای و تنها بر اساس مصلحت‌اندیشی به رسمیت شناخته می‌شود، با توجه به رسالتی که به دوش او نهاده شده است، احساس خطر کند و با چنین وحدت‌هایی مخالفت نماید. این‌که به نام وحدت و تقریب جریانی همچون بنی‌امیه پایه‌گذار تمدن اسلامی خوانده شود<sup>۲</sup> یا مسلمات مذهبی همچون

۱. همو، «حسن معاشرت با مخالفین مذهب»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی وحید خراسانی،

[http://wahidkhorasani.com/%D8%A7%D8%B1%D8%B3%DB%8C/%D8%B3%D8%A4%D8%A7%D984%D8%A7%D8%AA-%D8%B4%D8%B1%D8%B9%DB%8C/%D985%D8%AD%D8%AA%D988%D8%A715744/\\_/D8%AD](http://wahidkhorasani.com/%D8%A7%D8%B1%D8%B3%DB%8C/%D8%B3%D8%A4%D8%A7%D984%D8%A7%D8%AA-%D8%B4%D8%B1%D8%B9%DB%8C/%D985%D8%AD%D8%AA%D988%D8%A715744/_/D8%AD)

تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶

۲. واعظ‌زاده خراسانی، محمد، «مصاحبه با آیت‌الله استاد حاج شیخ محمد واعظ‌زاده خراسانی»، حوزه، ۱۴۱/۲۴.

تبری انکار شود<sup>۱</sup> یا اختلافات، ناچیزانگاشته شود<sup>۲</sup> یا کسانی همچون ابوحنیفه که در کینه‌توزی با علی بن ابی طالب علیه السلام شهرة است -<sup>۳</sup> تطهیر شوند و امام اعظم و نماد ایستادگی در برابر ظلم و معلم بزرگ بشریت و عقلانیت دانسته شوند،<sup>۴</sup> هر عالم دلسوزی را به مخالفت با اساس چنین تقریبی برمی‌انگیزد. باید روشن شود که چنین وحدتی در کدام چارچوب سیاست و اجتماع امت تعریف می‌شود و چنین تقریبی با کدام مبانی دینی و ادله اسلامی سازگار است؟!

سیره علماء و بزرگان برای وحدت و تقریب نیز هیچ‌گاه بر تطهیر منحرفان یا به رسمیت شناختن انحرافات یا انکار حقایق نبوده است؛ بلکه همواره مسیر تقریب دینی را در چارچوب واقعیت‌ها دنبال می‌کردند. علامه سیدشرف‌الدین یکی از بزرگ‌ترین طلایه‌داران تقریب، همواره عامل دوری شیعه از سنی را در تکفیر و تحقیر و دشنام و دورویی و نیز روی‌گردانی اهل سنت از مذهب اهل بیت علیهم السلام و بی‌اعتنایی به گفتارهایشان در اصول و فروع دین دانسته است<sup>۵</sup> و با تمرکز بر

۱. به عنوان نمونه رک: همو، «چشم‌انداز تقریب مذاهب اسلامی در گفتگو با آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی»، هفت آسمان، ۹ و ۲۹/۱.
۲. به عنوان نمونه رک: همو، «الوحدة الإسلامية معالمها وأعلامها»، رسالة التقريب، ۲۱/۱۱؛ تسخیری، محمدعلی، «گفتاری پیرامون وحدت اسلامی و تقریب مذاهب»، اندیشه تقریب، ۸/۱۷.
۳. کینه‌توزی و مخالفت ابوحنیفه با حضرت امام علی بن ابی طالب علیه السلام در منابع شیعه و سنی انعکاس یافته است. در منابع شیعه احادیث صحیحی در این باره وجود دارد؛ رک: کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۵۶-۵۷. در منابع سنی نیز قصه به قدری مشهور است که گفته شده محمد بن نصر مروزی کتابی درباره مخالفت‌های وی با علی بن ابی طالب علیه السلام نوشته است؛ رک: ذهبی، محمد، سیر أعلام النبلاء، ۳۸/۱۴۳؛ سبکی، عبدالوهاب، طبقات الشافعية الكبرى، ۲/۲۴۷.
۴. در این باره مراجعه کنید به: نواب، ابوالحسن، «سخنرانی ریاست محترم دانشگاه ادیان و مذاهب در بیست و دومین همایش دانش‌آموختگان دارالعلوم زاهدان در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۹۲»، <https://www.youtube.com/watch?v=nipSqCnDnzU>، تاریخ مراجعه: ۱۶/۰۸/۱۴۰۰.
۵. شرف‌الدین عاملی، عبدالحسین، الفصول المهمة، ص ۱۶۷.

احیای جایگاه امامان اهل بیت علیهم السلام و مراجعه به نصوص امامت و ولایت در المراجعات، با هرگونه تکفیر و تحقیر و دشنام مبارزه نموده است؛ نه آنکه بر یکسانی عقیده تأکید کند و از انحرافات چشم ببوشد. یا فقیهی معاصر، که خود از هرکسی به تقریب و وحدت آشناتر و دلسوزتر است، با ننگارش آثاری در نقد اندیشه‌های تفرقه افکن، همواره بر مراجعه به آثار اهل بیت علیهم السلام در این باره تأکید دارد و با حجت قرار دادن احادیثی همچون حدیث ثقلین، حدیث سفینه و حدیث امان، مسیر تقریب را پیش می‌گیرد،<sup>۱</sup> نه نفی مسلمات مذهبی. هم‌چنین استاد شهید مطهری - از دیگر طلایه داران تقریب - با ننگارش مقاله الغدیر و وحدت اسلامی مسیر وحدت و تقریب را در اندیشه غدیر می‌یابد و پس از نقل گفتارهایی از علامه امینی می‌نویسد:

علامه امینی در مقدمه جلد هشتم، تحت عنوان «الغدیر یوحد الصفوف فی المأیة الاسلامیة» مستقیماً وارد بحث نقش الغدیر در وحدت اسلامی می‌شوند. معظم‌له در این بحث، اتهامات کسانی را که می‌گویند الغدیر موجب تفرقه بیشتر مسلمین می‌شود، سخت رد می‌کنند و ثابت می‌کنند که برعکس، الغدیر بسیاری از سوء تفاهات را از بین می‌برد و موجب نزدیک تر شدن مسلمین به یکدیگر می‌گردد.<sup>۲</sup>

رهبر معظم انقلاب که همواره نسبت به وحدت مسلمانان اهتمام وافر داشته‌اند، محبت اهل بیت علیهم السلام را کانون وحدت دانسته‌اند، نه تطهیر دشمنان آنان را. ایشان در بیانات خود فاش گفته‌اند که:

محبت اهل بیت علیهم السلام و حتی مسئله غدیر هم می‌تواند کانونی برای وحدت مذاهب اسلامی باشد. البته وحدت به معنای دست شستن از عقاید مذهبی و پذیرفتن فرق دیگر نیست.<sup>۳</sup>

۱. نگاه کنید به: صافی گلپایگانی، لطف‌الله، لمحات فی الكتاب والحديث والمذهب؛ همو، أمان الأمة من الضلال والخلاف.

۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (الغدیر و وحدت اسلامی)، ۳۲/۲۵.

۳. خسروپناه، عبدالحسین، منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۴۴۲/۱.

## جمع بندی و نتیجه گیری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همواره نسبت به وقوع تفرقه در میان امت و راهکار خروج از آن هشدار داده اند. حدیث نبوی «افتراق امت» هشدار نسبت به تفرقه و خبر از آینده ای نزدیک داشت و احادیثی همچون «حدیث ثقلین»، «حدیث سفینه»، «حدیث امان» و احادیث دیگر، معنا و راهکار وحدت را معرفی نموده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به خوبی می دانست که سرآغاز تفرقه و جدایی، درگیری و اختلاف در خلافت و امامت خواهد بود و از این رو حضرتش بر همین نکته انگشت نهاد و با تمرکز بر ریشه تفرقه و با روشنگری و بیان حقیقت در این امر، سفارش ها و راهکارهای خویش را بر محور امامت ارائه نمود. روشن است که با وجود سخنان نورانی نبوی برای رهایی از تفرقه و تعیین هدف و نشان دادن چشم انداز از سوی ایشان، هر مسیر دیگری، اجتهاد در مقابل نص خواهد بود و دستیابی به هدف را پیچیده و دشوار خواهد ساخت. پس دستیابی به وحدت و ایجاد تقریب، باید با مراجعه به سفارش های نبوی شکل گیرد.

تئوری وحدت و تقریب امامت محور ایجاد گفتمان های علمی در امامت را موجب رفع سوء تفاهات مذهبی و روشنگری در حقایق دینی می داند و معتقد است، کشف حقایق و رفع سوء تفاهات در خاستگاه اختلاف، آثار مطلوبی در حیات اجتماعی و سیاسی خواهد داشت و می تواند اختلافات اجتماعی و سیاسی را نیز خنثی سازد. البته روشن است که ایجاد وحدت آرمانی تا عصر ظهور ناشدنی است؛ اما به میزان تعهدات دینی و به اندازه توانایی ها و امکانات مادی، تلاش برای خروج از آشفتگی امروز جهان اسلام ضروری است. دست کم جلوگیری از راهکارهایی که مؤمنان را به اشتباه اندازد و در تشخیص حق و باطل دچار سردرگمی کند و مقابله با سوء تفاهات مذهبی، امری ضروری به نظر می رسد.

رویکرد امامت محور در تقریب، تنها به توصیه های کلی بسنده نمی کند؛ بلکه برای باور است که با هم اندیشی عالمان دلسوز مذاهب مختلف اسلامی، می توان راهبرد و نقشه روشنی برای پیگیری پروژه تقریب پی ریزی کرد. بی گمان سیاست گذاری های روشن و اقدامات پیگیرانه و خالصانه در پرتو قرآن و اهل بیت علیهم السلام گره از کار فرو بسته اختلافات امت اسلامی باز خواهد کرد و تا اندازه بسیاری، افق همکاری و همزیستی مسلمانان را گشوده تر خواهد ساخت.

کتاب‌ها

قرآن کریم.

نهج البلاغة (نسخة المعجم المفهرس) (سخنان اميرمؤمنان عليه السلام)، گردآوری سيد رضی، چاپ ششم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم، ۱۴۲۲ق.

ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، به كوشش: محمد أبو الفضل إبراهيم، چاپ دوم: دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۳۸۵ق.

ابن اثير جزري، على بن محمد، الكامل في التاريخ، دار صادر - دار بيروت، بيروت، ۱۳۸۵ق.

ابن تيميه، احمد بن عبد الحلیم، منهاج السنة النبوية، تحقيق: محمد رشاد سالم، ۱۴۰۶ق.

ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة في الرد على أهل البدع والزندقة، به كوشش: عبد الوهاب عبد اللطيف، مكتبة القاهرة، قاهره.

ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، المنح المكية في شرح الهمزية، به كوشش: بسام محمد بارودو احمد جاسم و بوجمعة مكري، چاپ دوم: دار المنهاج، جده، ۱۴۲۶ق.

ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل وبهامشه منتخب كنز العمال، دار الفكر العربي.

ابن قولويه قمی، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، تحقيق: جواد قیومی، چاپ اول: مؤسسة نشر الفقاهة، قم، ۱۴۱۷ق.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، چاپ اول: دار الفكر، بيروت، ۱۴۱۹ق.

ابوزهره، محمد، تاريخ المذاهب الإسلامية، دار الفكر العربي، قاهره، ۱۹۹۶م.

ابويعلى فراء، محمد بن حسين، الأحكام السلطانية، تصحيح وتعليق: محمد حامد الفقي، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۲۱ق.

اسدآبادی، سيد جمال الدين، مقالات جماليه، نشریات مؤسسه خاور، تهران، ۱۳۱۲ش.

البانی، محمد ناصر الدين، سلسلة الأحاديث الصحيحة، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، رياض، ۱۴۱۵ق.

امين عاملى، سيد محسن، أعيان الشيعة، تحقيق: حسن امين، دار التعارف، بيروت، ۱۴۰۳ق.

امينى، عبد الحسين، الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، مؤسسة دائرة المعارف الفقه الإسلامي، قم، ۱۴۳۶ق.

امينى، عبد الحسين، سيرتنا و سنتنا سيرة نبينا، چاپ دوم: دار الغدير للمطبوعات - دار الكتاب الإسلامي، بيروت، ۱۴۱۲ق، افسست شده توسط مؤسسه امام صادق عليه السلام، تهران.

بدخشانی، محمد بن معتمد خان، نزل الأبرار بما صحَّ من مناقب أهل البيت الأطهار،

- تحقیق: محمدهادی امینی، چاپ اول: کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۳ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکرو محمد فؤاد عبد الباقي و کمال یوسف الحوت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
- تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، منشورات الشریف الرضی (افست)، قم، ۱۴۰۹ق.
- جمعی از پژوهشگران، زیر نظر محمد تقی سبحانی، جستارهایی در مدرسه کلامی بغداد، چاپ دوم: دار الحدیث، قم، ۱۳۹۶ش.
- جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، تحقیق: محمد باقر محمودی، چاپ اول: مؤسسه المحمودی للطباعة و النشر، بیروت، ۱۳۹۸ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث و فی ذیلہ تلخیص المستدرک للذهبی، دار الفکر، بیروت، ۱۳۹۸ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، چاپ سوم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۶ق.
- الحسن، عبدالله، المناظرات (مناظرات فی الإمامة)، چاپ سوم: منشورات دلیل ما، قم، ۱۴۲۹ق.
- حسینی میلانی، سید علی، بایشوایان هدایت گر (نگرشی نو در شرح زیارت جامعه کبیره)، چاپ اول: الحقائق.
- حسینی میلانی، سید علی، جواهر الکلام فی معرفة الإمامة و الإمام، چاپ اول: الحقایق، ۱۳۹۵ش.
- حسینی میلانی، سید علی، غدیر آخرین جایگاه اعلان عمومی، چاپ اول: الحقایق، ۱۳۸۸ش.
- حسینی میلانی، سید علی، نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار، چاپ دوم: مرکز الحقائق الاسلامیة، ۱۴۲۶ق.
- خسروپناه، عبدالحسین و جمعی از پژوهشگران، منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای، چاپ اول: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۹۶ش.
- ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: شعیب الأرنؤوط - أكرم البوشي، چاپ چهارم: مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۶ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، تحقیق: علی محمد البجاوی - محمد أبو الفضل إبراهيم، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ساعدی، محمد، موسوعة أعلام الدعوة و الوحدة و الإصلاح، چاپ اول: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية، تهران، ۱۴۳۱ق.
- سبحانی، جعفر، رسائل و مقالات، چاپ دوم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۲۵ق.

سبط ابن جوزی، ابوالمظفر یوسف بن قزغلی، تذکرة الخواص، با مقدمه سید صادق بحر العلوم، مکتبه نینوی، تهران.

سبکی، عبدالوهاب بن علی، طبقات الشافعية الكبرى، تحقیق: عبد الوهاب محمد الحلو - محمود محمد الطناحي، دار احیاء الکتب العربیة، قاهره.

سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، استجلاب ارتقاء الغرف بحب اُقرباء الرسول و ذوی الشرف، تحقیق: خالد بن احمد الصمی بابطین (و تقریظ استادان دانشگاه أم القُری)، دار البشائر الاسلامیة، بیروت.

شثری، عبدالرحمن بن سعد، عقائد الشیعة الإثني عشریة، چاپ ششم: ۱۴۲۸ق.

شرف الدین عاملی، سید عبدالحسین، الفصول المهمة فی تألیف الأمة، چاپ اول: المجمع العالمی لأهل البیت، ۱۴۳۱ق.

شرف الدین عاملی، سید عبدالحسین، المراجعات، چاپ بیستم همراه با اضافات: مطبوعات النجاح، قاهره، ۱۳۹۹ق.

شوشتری، قاضی سید نورالله، مجالس المؤمنین، چاپ چهارم: کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ش.

صاحبی، محمد جواد، اندیشه اصلاحی در نهضت های اسلامی، چاپ سوم: دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ش.

صافی گلپایگانی، لطف الله، أمان الأمة من الضلال و الخلف، چاپ اول: دار العلوم، بیروت، ۱۴۲۳ق.

صافی گلپایگانی، لطف الله، لمحات فی الكتاب و الحدیث و المذهب، چاپ اول: وحدة النشر العالمیة التابعة لمکتب آیت الله الصافی گلپایگانی، ۱۴۳۴ق.

صدوق، محمد بن علی، الأمالی، چاپ اول: مؤسسه البعثة، قم، ۱۴۱۷ق.

صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، چاپ اول: الشریف الرضی، ۱۴۲۱ق.

صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، به کوشش: سید مهدی حسینی لاجوردی، چاپ دوم: رضا مشهدی، قم، ۱۳۶۳ش.

صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، به کوشش: علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۰ق.

صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران.

طباطبایی بروجردی، حاج آقا حسین، جامع أحادیث الشیعة، المطبعة العلمیة، قم، ۱۳۹۹ق.

طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، با تعلیقات و ملاحظات سید محمد باقر موسوی خراسان، المرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.



طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، چاپ دوم: دار التراث، بیروت.

طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، مكتبة الداوري، قم.

طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، چاپ سوم: دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۶ق.

عینی حنفی، محمود، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، دار الفكر، بیروت.

غزالی، ابوحامد محمد، الاقتصاد في الاعتقاد، چاپ اول: دار البصائر، قاهره، ۱۴۳۰ق.

فیض آبادی، حیدر علی، منتهی الکلام، مطبع ناصری (چاپ سنگی)، لکهنو، ۱۲۸۲ق.

قاری، علی بن سلطان محمد، مرقاة المفاتیح شرح مشكاة المصابيح و بهامشه مشكاة المصابيح، دار إحياء التراث العربي، بیروت.

قفاری، ناصر بن عبدالله، أصول مذهب الشيعة، چاپ دوم: ۱۴۱۵ق.

قمی، محمد تقی، قصة التقريب: أمة واحدة، ثقافة واحدة، با مقدمه و ملحقات سيدهادی خسروشاهی، چاپ اول: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۴۲۸ق.

قمی و شنوی، قوام الدین، حدیث ثقلین، دارالتقريب بين المذاهب الإسلامية، قاهره، ۱۳۷۱ق.

کاشف الغطاء، محمد حسین، أصل الشيعة و أصولها، تحقیق: علاء آل جعفر، چاپ اول: مؤسسة الامام علي عليه السلام، قم، ۱۴۱۵ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافي، تصحيح: علی اکبر غفاری، چاپ ششم: دار الکتب الاسلامية، تهران، ۱۳۷۵ش.

کنتوری، میرحامد حسین، عبققات الأنوار في إمامة الأئمة الأطهار/ حدیث ثقلین، مطبعة نظامی (چاپ سنگی)، لکهنو، ۱۳۴۴ق.

متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، چاپ پنجم: مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۵ق.

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم: مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.

مجلسی، محمد تقی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (الغدیر و وحدت اسلامی)، صدرا.

مناری، عبدالرؤف، فیض القدير شرح جامع الصغير، چاپ دوم: دار الفكر، بیروت، ۱۳۹۱ق.

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، مسائل الإمامة (فرقه های اسلامی و مسئله امامت)، چاپ اول: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ش.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشي، چاپ ششم: مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ۱۴۱۸ق.

نیسابوری، مسلم بن حجاج، الصحيح الجامع، دار الآفاق الجديدة، بيروت.

## مقالات

تسخیری، محمد علی، «گفتاری پیرامون وحدت اسلامی و تقریب مذاهب»، اندیشه تقریب، سال دوم، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۵ ش.

حائری مازندرانی، محمد صالح، «منهاج عملی للتقريب إلى إخواننا المسلمين»، رسالة الإسلام، سال سوم، شماره ۴، ذوالحجه ۱۳۷۰ ق.

کاشف الغطاء، محمد حسین، «بيان للمسلمين»، رسالة الإسلام، سال دوم، شماره ۳، رمضان ۱۳۶۹ ق.

واعظ زاده خراسانی، محمد، «الوحدة الإسلامية معالمها وأعلامها»، رسالة التقريب، شماره ۲۱، رجب - رمضان ۱۴۱۹ ق.

واعظ زاده خراسانی، محمد، «چشم انداز تقریب مذاهب اسلامی در گفتگو با آیت الله واعظ زاده خراسانی»، هفت آسمان، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۸۰ ش.

واعظ زاده خراسانی، محمد، «مصاحبه با آیت الله استاد حاج شیخ محمد واعظ زاده خراسانی»، حوزه، شماره ۱۴۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۶ ش.

## منابع الکترونیکی

نواب، ابوالحسن، «سخنرانی ریاست محترم دانشگاه ادیان و مذاهب در بیست و دومین همایش دانش آموختگان دارالعلوم زاهدان در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۹۲»،

تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶، <https://www.youtube.com/watch?v=nipSqCnDnzU>

وحید خراسانی، حسین، «حسن معاشرت با مخالفین مذهب»، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله وحید خراسانی،

[http://wahidkhorasani.com/:D981/:D8%A7:D8%B1:D8%B3:DB%8C/:D8%B3:D8%A4:D8%A7:D984/:D8%A7:D8%AA-:D8%B4:D8%B1:D8%B9:DB%8C/:D985/:D8%AD:D8%AA:D988/:D8%A715744/\\_/:D8%AD](http://wahidkhorasani.com/:D981/:D8%A7:D8%B1:D8%B3:DB%8C/:D8%B3:D8%A4:D8%A7:D984/:D8%A7:D8%AA-:D8%B4:D8%B1:D8%B9:DB%8C/:D985/:D8%AD:D8%AA:D988/:D8%A715744/_/:D8%AD)

تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶

وحید خراسانی، حسین، «سخنرانی آیت الله العظمی وحید خراسانی در درس خارج فقه،

دوشنبه، ۱۱/۵/۹۴»، [https://www.youtube.com/watch?v=ilx\\_Onvpr-Q](https://www.youtube.com/watch?v=ilx_Onvpr-Q)، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶